

بررسی جامعه‌شناختی نگرش مردم نسبت به جهان پس از مرگ (مطالعه موردی: جمعیت بیست سال به بالای شهر بابل)

علی رحمانی فیروزجاه*

فاطمه نیازی اوریمی**

چکیده

تحقیق حاضر با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی نگرش مردم نسبت به جهان پس از مرگ» با هدف بررسی عوامل مؤثر بر نگرش مردم به جهان پس از مرگ انجام شده و به روش پیمایشی صورت گرفته است. جامعه آماری تحقیق شامل ۱۷۰ هزار نفر از جمعیت بیست سال به بالای مردم شهر بابل است و حجم نمونه‌ای به تعداد سیصد نفر با استفاده از فرمول کوکران محاسبه شد. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و نیز ابزار پرسش‌نامه محقق‌ساخته با طیف لیکرت برای گردآوری اطلاعات مورد استفاده قرار گرفته است و اطلاعات با آزمون اسپیرمن، آزمون من ویتنی، رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر، تجزیه و تحلیل شده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که نگرش ۴۹ درصد از پاسخگویان به جهان پس از مرگ در حد متوسط با نگرش اسلام به جهان پس از مرگ همسو بوده و نگرش ۳۵ درصد آنان به‌طور کامل با نگرش اسلام همسو بوده است. همچنین میان میزان دین‌داری، سن و احساس محرومیت و متغیر وابسته رابطه معناداری وجود دارد و میان متغیرهای مستقل جنسیت، ریسک‌پذیری و پایگاه اقتصادی اجتماعی و متغیر وابسته تحقیق رابطه معناداری وجود ندارد. براساس رگرسیون چند متغیره، متغیرهای دین‌داری بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته تحقیق داشته‌اند. نتایج تحقیق نشان دادند که هرچه میزان دین‌داری، احساس محرومیت و سن مردم افزایش می‌یابد، نگرششان نسبت به جهان پس از مرگ با نگرش اسلام همسوتر می‌شود. براساس نتایج رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر، بُعد اعتقادی بیشترین اثر مستقیم را بر متغیر وابسته داشته و بُعد پیامدی بیشترین اثر غیرمستقیم را بر نگرش مردم نسبت به جهان پس از مرگ داشته است. **واژگان کلیدی:** زندگی پس از مرگ، دین‌داری، پایگاه اقتصادی اجتماعی، احساس محرومیت، ریسک‌پذیری.

«او خداوندی است که مرگ و حیات را آفرید، برای آنکه شما را امتحان کند تا کدامتان نیکوکارترید».

(سوره ملک، آیه ۲)

بیان مسئله

انسان، موجودی باورمحور است که در هر لحظه براساس باورهای خود، در خصوص پدیده‌های مختلف دست به عمل می‌زند. از چنین منظری طیف متنوعی از باورها در عرصه زندگی برای انسان مطرح می‌شود، دسته‌ای از این باورها، باور به جهان آخرت و معاد هستند، که یکی از اصول جهان‌بینی و ارکان اعتقادی دین مبین اسلام است (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۵) به لحاظ جامعه‌شناختی مرگ، مشکلاتی را در دو سطح به وجود می‌آورد: یکی برای ثبات و استواری ساختارهای اجتماعی و دیگری برای امنیت هستی‌شناختی. به طوری که وبر معتقد است دین اساساً پاسخی به دشواری‌ها و بی‌عدالتی‌های زندگی است. دین می‌کوشد تا این ناکامی‌ها را توجیه کند و در نتیجه انسان‌ها را قادر به کنار آمدن با آنها می‌سازد و در برابر این مشکلات به آنها اعتماد به نفس می‌بخشد و نیز می‌تواند خصلت به ظاهر خودسرانه جهان را معنادار و سامان‌مند جلوه دهد به گونه‌ای که اگر تفسیر گسترده‌تر دین را مورد توجه قرار دهیم، خوشبختان، سزاوار بخت خوش‌اند و بدبختان، یا سزاوار سرنوشت خود هستند یا بدبختی آنان در این جهان مادی، موقتی است و در جهان دیگر پاداش سزاوارشان را خواهند گرفت (همیلتون، ۱۳۹۰، ص ۲۳۵-۲۳۶). برگر و لاکمن معتقدند دین به افراد در موقعیت‌های شخصی آنان، به‌عنوان بخشی از نظام آبدی و بیکران، شرکت در آیین‌ها و مراسم کمک می‌کند و اعتقاد به حیات اخروی، به تداوم این حس که مرگ پایان هر چیزی نیست، کمک می‌کند (سیل، ۱۹۹۸، ص ۶۱، به نقل از یوسفی و تابعی، ۱۳۸۹، ص ۱۰). درک مفهوم حقیقت و چگونگی معاد^۱ و حیات انسان‌ها پس از مرگ^۲ بزرگ‌ترین مشغله ذهنی متفکران، صاحب‌نظران و سرلوحه دعوت پیامبران الهی و یکی از مهم‌ترین اصول دین اسلام است. از آنجا که محدوده تجربه انسان محدود به دنیاست، پرسش از سرنوشت انسان پس از مرگ، مبهم‌ترین پرسش‌های او شده است و به هیچ طریقی نتوانسته با اکتفا بر توانایی‌های خود، به پاسخ آن دست یابد. در این میان ادیان الهی، با ارائه چشم‌اندازی از آینده پس از مرگ، این سؤال جدی را پاسخ داده‌اند (کبیر، ۱۳۸۹، ص ۱۵۰).

در جهان هستی از آغاز تاکنون هیچ پرسشی جدی‌تر از چیستی مرگ و فرجام کار انسان مطرح نبوده و نیست و هیچ رویدادی چون مرگ، ذهن انسان را به خود مشغول نساخته است. تقریباً همه انسان‌ها در لحظاتی از عمر خود به این موضوع اندیشیده‌اند که هنگام مردن و پس از آن، چه اتفاقاتی برای آنها رخ خواهد داد. از منظرهای متفاوتی می‌توان به این سؤال نگریست: از منظر فلسفی، علمی و دین. در این میان صرفاً از منظر دینی و ایمانی می‌توان به حیات پس از مرگ

1. Resurrection

2. life after Death

پاسخ داد. برخی معتقدند بعد از مرگ بدنشان زنده می‌ماند و تبدیل به روح شده به بهشت یا دوزخ یا مأوایی دیگر می‌رود، یا اینکه در جسمی دیگر به زمین باز می‌گردد. برخی دیگر نیز معتقدند وجودشان دارای خط پایانی است و نفس با مردن منهدم می‌شود و دیگر زندگی و حیاتی در کار نیست. درباره نگرش به حیات پس از مرگ دو دیدگاه وجود دارد: یکی دیدگاه الحادی است که در عین حال که تیره و ناامیدانه بوده، مرگ را مصیبتی عظیم می‌داند، به این دلیل که دیگر در این دنیا وجود نخواهند داشت؛ و دیدگاه دوم، نگرش مؤمنانه به زندگی پس از مرگ است که براساس ادیان الهی شکل گرفته است. بر این اساس، حیات آخری، زندگی دائمی است، که با مرگ، بدن وارد مرحله جدیدی از زندگی می‌شود. استاد شهید مطهری مرگ را زائیده خلود می‌شمرد و همین میل را دلیلی برای بقای بشر، پس از مرگ می‌داند. مرگ برای انسان نیستی نیست، تحول و تطور است، یعنی نیستی در یک نشئه و هستی در نشئه دیگر (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۱۷۸). مرگ، به وضعیت نبودن انسان (پایان زندگی) گفته می‌شود که در مجموعه‌ای از روابط اجتماعی شخصی، اقتصادی، سیاسی و اخلاقی شکاف ایجاد می‌کند، که این شکاف‌های ایجاد شده در حوزه‌های مربوط بر، جامعه اثر می‌گذارند (جلائی‌پور و محمدی، ۱۳۸۷، ص ۴۹۴).

افزون بر دین اسلام، آموزه‌های ادیان دیگر از جمله یهودیت، مسیحیت و... نیز کم‌وبیش بر آخرت‌گرایی تأکید کرده‌اند، ولی این مسئله در اسلام بسیار صریح و شفاف بیان شده است. آیات بسیاری از قرآن کریم سیمای آخرت را به تصویر کشیده‌اند که برخی از مهم‌ترین عناصر آن عبارت‌اند از: مرگ، ورود به عالم برزخ، بهشت و جهنم و... از نظر قرآن انسان، بعد از مرگ دو عالم را طی می‌کند: عالمی که مانند عالم دنیا پایان نمی‌پذیرد و آن عالم برزخ است و دیگری عالم قیامت کبراست که به هیچ وجه پایان نمی‌پذیرد (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۲۵). دین تنها برای انسان ذی‌شعور و صاحب اراده موضوعیت دارد. مخاطب دین، انسان است و هدف آن صورت بخشی به "بودن" و جهت‌دهی به "شدن" انسان در زیست دنیوی‌اش است. اتمام حیات دنیوی هر یک از آحاد بشر خاتمه سعی و عمل انسان است. اطلاق دنیوی و آخری یا این جهانی و آن جهانی به ادیان نیز، نه از حیث تعلقاتشان به این یا آن جهان است، بلکه پایه مواعید و مطالباتشان است که در این یا آن دنیا به نتیجه می‌رسد (شجاعی‌زند، ۱۳۹۲، ص ۸۸). اعتقاد به جهان آخرت در زندگی اجتماعی انسان آثار ارزشمندی دارد. از مهم‌ترین آنها می‌توان به ضمانت اجرائی قوانین الهی و عمل به تکالیف اجتماعی، رعایت حقوق دیگران، جلوگیری از ظلم و تجاوز و به عبارتی، برقراری عدالت اشاره کرد. منبع و منشأ ایمان به زندگی پس از مرگ، قبل از هر چیز دیگری، وحی الهی است که از سوی پیامبران به بشر ابلاغ شده است و پس از اصل توحید، درجه ایمان هر فرد به حیات آخری،

به درجه ایمان او به اصل نبوت و نیز به این بستگی دارد که سطح معارف انسان تا چه حد بالا باشد و تصورش از معاد و زندگی پس از مرگ چه اندازه صحیح و معقول بوده، تصوّرات جاهلانه و عامیانه در آن راه نیافته باشد. اینکه انسان پس از مرگ در چه حالتی به سر می‌برد و مردم چه تصوّراتی دارند؟ آیا پس از مرگ انسان‌ها در خاموشی و بی‌حسی به سر می‌برند، یا اینکه بلافاصله پس از مردن وارد مرحله دیگری از زندگی می‌شوند که همه چیز را حس می‌کنند، از چیزهایی لذت و از چیزهای دیگر رنج می‌برند، اینها به افکار، اخلاق و اعمالش در دنیا بستگی دارند. این نگاهی است که اسلام به حیات پس از مرگ دارد که از برزخ شروع شده و تا قیامت ادامه داشته و با مشخص شدن تکلیف هرکس، در بهشت یا جهنم برای ابد، به سر خواهد برد. قائل شدن به وجودی فراتر از وجود جسمانی برای انسان و اهدافی بلندتر از کام‌جویی از دنیا، منشأ اصلی بروز انواع تنش‌ها بوده است با این تفاوت که خیر و شر در برخی از ادیان به دنیا و به قصد و عمل انسان منتسب است. در دنیای امروز پیشرفت‌های موجود در وسائل ارتباطی، گسترش مبادلات بازرگانی و ظهور زبان مشترک در سطحی بسیار وسیع، در تزلزل پایه‌های اعتقادات محلی، سهم بسزایی دارند و سلسله مراتب جدید و کلی‌تری از اعتقادات و بالتبع مناسک وابسته به آن به وجود می‌آورند. با توجه به مطالب بیان شده در این تحقیق سعی داریم، به این پرسش پردازیم که: «نگرش مردم شهر بابل نسبت به جهان پس از مرگ تا چه حد با نگرش اسلام به جهان پس از مرگ همسوست؟ و این نگرش از چه عواملی تأثیر می‌پذیرد؟»

اهمیت و ضرورت تحقیق

فرهنگ‌های گوناگون به منظور حفظ تداوم زندگی روزمره، شیوه‌هایی را برای در حاشیه قرار دادن تجربه مرگ به کار می‌گیرند (کیدنز، ۱۳۷۸، ص ۲۲۱). به گونه‌ای که این مصادره تجربه مرگ در جوامع مدرن به بیشترین سطح خود رسیده است (الیاس، ۱۳۸۴، ص ۳۴). انسان همواره به مرگ، به منزله یکی از نخستین و پایدارترین دغدغه‌هایش اندیشیده است (صنعتی، ۱۳۸۴، ص ۲). در عین حال هرچند، در فرهنگ روزمره جامعه مدرن، رخداد مرگ به حاشیه رانده می‌شود، ولی همه جوامع به ناچار الگوهایی را برای اندیشیدن در مورد مرگ، در اختیار دارند (قانع‌راد و کریمی، ۱۳۸۵، ص ۵۲).

مرگ از آن دسته واژه‌هایی است که طنینی هراسناک در ذهن آدمی دارد و همه وجود وی را درگیر مسئله بودن یا نبودن می‌سازد. از این‌روست که انسان می‌داند سرانجامی، جز مرگ ندارد و مرگ هر جا و هر زمان گریبانگیر او خواهد بود، با این حال هیچ‌گاه نمی‌خواهد تسلیم آن شود. در

تمدن جدید، مرگ به‌طور شگفت‌انگیزی انکار شده و انسان به‌گونه‌ای زندگی می‌کند، که گویی پایانی برای وی متصور نیست. با وجود این، مرگ هنوز هم برای انسان معاصر سخت، معماگونه و باورنکردنی است. نقش تربیتی و جایگاه اعتقادی و عملی، مرگ‌اندیشی و اعتقاد به جهان پس از مرگ، به‌خوبی ضرورت‌های تحقیق درباره این موضوع را روشن می‌سازد که عبارت‌اند از:

۱. ضرورت اعتقادی: عقیده داشتن به مرگ و اتفاقاتی که در آن هنگام رخ می‌دهند، در حقیقت دروازه ورود به جهان آخرت هستند که از امور ضروری اسلام‌اند؛

۲. ضرورت عملی و فردی: هر انسانی در انجام تکالیف و اعمال عبادی خود نیاز به انگیزه دارد، تا آن را با عشق و علاقه بهتر و برتر، انجام دهد. از جمله انگیزه‌هایی که انسان را به حرکتی هدفمند و می‌دارد، عقیده و اندیشه درست درباره مرگ و واقعیت‌های آن است (مظفری ورسی، ۱۳۹۲).

بی‌شک در جوامع پیشرفته گروه‌های انسانی، دیگر با آن چنان شور و جدیتی اصرار نمی‌کنند که فقط عقاید ماورالطبیعه آنها و مراسم وابسته به آنها می‌تواند بعد از زندگی دنیوی، زندگی ابدی را برای اعضا تأمین کند. در جوامع پیشرفته‌تر طلب یاری از نظام‌های عقاید ماوراءالطبیعی بر ضد خطر مرگ، کمتر با شور و شوق آمیخته است و تا حدودی خود را بر نظام‌های عقیدتی سکولار، متکی ساخته است، که نیاز به ضمانت در برابر گذار بودن خود آدمی در ایام اخیر در مقایسه با قرون وسطا به شکل محسوسی فروکش کرده است، که خود مبین مرحله متفاوتی از تمدن است (اباذری، ۱۳۸۴، ص ۴۵۲).

جامعه‌شناسی مرگ که یکی از شاخه‌های جامعه‌شناسی دین است که به مطالعه راه‌هایی می‌پردازد که عقاید، ارزش‌ها، تصورات و معانی شکل گرفته درباره مرگ، را از طریق محیط‌ها و زمینه‌های اجتماعی شکل می‌دهد (کرل، ۱۳۸۹، ص ۱۲، به نقل از انسان، ۱۳۹۰، ص ۱۳). در ایران از منظر جامعه‌شناختی، بر پدیده مرگ کمتر توجه شده است، درباره تحقیقاتی که در حوزه جامعه‌شناسی دین و دین‌داری، صورت گرفته، نگارندگان در بررسی‌های خود، با تحقیقی برخورد نکردند که به صورت مستقیم به مسئله جهان پس از مرگ و نگرش به آن پرداخته باشد. تحقیقات موجود، در زمینه ادبیات، تحقیقات فولکلوریک و مطالعه موردی درباره مناسک مرگ، مفهوم و نگرش به مرگ، اضطراب مرگ و... صورت گرفته است. از آنجا که یکی از ارکان اعتقادی دین اسلام، موضوع معاد و اعتقاد به جهان پس از مرگ است، از این‌رو، اهمیت تحقیقی جامعه‌شناختی درباره این مسئله ضرورت می‌یابد. اما اینکه چرا تحقیقاتی جامعه‌شناختی درباره مسئله‌ای به این مهمی تاکنون انجام نشده، شاید دلیل آن این باشد که تصور اولیه اغلب جامعه‌شناسان، از جمله در ایران نیز مبتنی بر این است که پرداختن به مقوله زندگی بر مرگ ارجحیت دارد؛ در حالی که به نظر

برخی پژوهشگران معاصر، مطالعه در پدیده‌های مرتبط با مرگ و زندگی، دوروی یک سکه‌اند و به‌طور یکسان به گسترش فهم ما از انسان و فرهنگ یاری می‌رسانند.

سؤال اصلی تحقیق

نگرش مردم شهر بابل نسبت به جهان پس از مرگ تا چه حد با نگرش اسلام نسبت به جهان پس از مرگ هم‌راستا است؟

پرسش‌های فرعی تحقیق

۱. آیا جنسیت بر نگرش مردم شهر بابل نسبت به جهان پس از مرگ تأثیر دارد؟
۲. آیا میزان دین‌داری بر نگرش مردم بابل نسبت به جهان پس از مرگ تأثیری دارد؟
۳. آیا سن فرد بر نگرش مردم بابل نسبت به جهان پس از مرگ تأثیری دارد؟
۴. آیا پایگاه اقتصادی و اجتماعی بر نگرش مردم بابل نسبت به جهان پس از مرگ تأثیر دارد؟
۵. آیا میزان ریسک‌پذیری بر نگرش مردم بابل نسبت به جهان پس از مرگ تأثیری دارد؟
۶. آیا احساس محرومیت بر نگرش مردم بابل نسبت به جهان پس از مرگ تأثیری دارد؟

تعریف دین

دین، باورها و اعتقادات، از قدیمی‌ترین و در عین حال پویاترین پدیده‌هایی هستند که توجه بسیاری از جمله متفکران، عالمان دینی، فلاسفه، انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان را به خود جلب کرده‌اند. چگونگی آفرینش و هستی، فلسفه زندگی، زندگی پس از مرگ، از جمله مباحثی بوده‌اند که ذهن کنجکاوی آدمی را به خود مشغول داشته‌اند. بشر همواره به دنبال یافتن منشأ هستی، هدف از آفرینش و اینکه از کجا آمده و به کجا آمده، به کجا می‌رود، بوده است (شجاعی‌زند، ۱۳۸۲، ص ۳۶).

تعریف دین بر حسب رشته‌های مختلف علمی و نیز رویکردهای عالمان نسبت به جهان، انسان و تاریخ، متعدد و متفاوت است. این تعریف‌ها گاهی چنان متنوع‌اند که جز در لفظ، هیچ اشتراک دیگری با هم ندارند. این تنوع، ناشی از تکثر صورت دین است که در واقعیت خارجی نمودار شده است (شجاعی‌زند، ۱۳۸۰، ص ۱۱). تعریف‌های جامعه‌شناسی از دین بسیار متنوع و ناسازگارند. به همین دلیل ماکس وبر، از مشهورترین جامعه‌شناسان دین، از ارائه تعریف در آغاز رساله‌اش خودداری کرده آن را به پایان محوّل کرده است، در نهایت وبر در بررسی‌هایش به جایی نرسید که تعریف روشنی از دین ارائه دهد (همیلتون، ۱۳۹۰، ص ۲۰). در این شکی نیست که دین

وجه امتیاز اصلی بشر است. از دیدگاه فلسفی، فرد زمانی دین‌دار تلقی می‌شود که با سؤال‌ها و مسائل وجودی و ماوراءالطبیعه، از جمله منشأ و مقصود به وجود آمدن هستی، مواجه شود. از دیدگاه جامعه‌شناختی، دین به‌عنوان یک نهاد اجتماعی کارکردهای اساسی مانند، انضباط، انسجام، حیات‌بخشی و فرح‌بخشی دارد که نبودن آن، بقای جامعه را مخدوش می‌سازد. از دیدگاه روان‌شناختی نیز به کارکردهای بهداشت روانی و روان‌درمانی دین توجه ویژه‌ای شده است. در این دیدگاه، دین، پیچیده و شامل مجموعه‌ای از مقوله‌های روان‌شناختی، از جمله هیجان‌ها، باورها، ارزش‌ها، رفتارها و محیط‌های اجتماعی است (خدایاری‌فرد، ۱۳۸۵، ص ۸-۹).

ویلیام رابرتسون^۱ دین را چنین تعریف کرده است: «فرهنگ مذهبی، به رشته‌ای از باورداشت‌ها و نمادهایی اطلاق می‌شود که در برگزیده تمایز میان امر تجربی و امر فراتجربی یا واقعیت متعالی هستند. در آنجا امور تجربی اهمیت کمتری از امور غیرتجربی دارند (شجاعی‌زند، ۱۳۸۰، ص ۵۶). اندیشمندان مسلمان نیز به دین به‌عنوان پدیده‌ای ساختاری نگریسته و آن را راه روشی دانسته‌اند که همه ابعاد زندگی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و او را به هدف کلی و متعالی که همانا، سعادت و خوشبختی است، رهنمون می‌سازد. علامه طباطبایی دو تعریف از دین ارائه داده است: اول، ماهیت دین به‌طورعام: دین روش عملی زندگی در این جهان بر مبنای اعتقاد درباره جهان و انسان، اعم از راه نبوت و وحی، یا از راه وضع قراردادهای بشری است؛ دوم، ادیان الهی و آسمانی: دین الهی مرکب از معارف درباره مبدأ و معاد و قوانین اجتماعی، از عبادات و معاملات از طریق وحی و نبوت گرفته شده است.

به عبارتی از نگاه علامه دین، عقاید و دستوره‌های عملی و اخلاقی است که پیامبران از سوی خداوند، برای راهنمایی و هدایت بشر آورده‌اند و روش مخصوص در زندگی است که صلاح دنیا را به‌طوری که موافق کمال اُخروی و حیات دائمی حقیقی باشد، تأمین می‌کند (طباطبایی، ۱۳۶۰، ص ۱۲۳-۱۳۵).

پیشینه تحقیق

شواهد اعتقاد به زندگی پس از مرگ را در میان نخستین انسان‌ها و شاید حتی پیش از ظهور نوع بشر، می‌توان یافت. اولین سند مکتوب اعتقاد و امید به جهان پس از مرگ، می‌تواند "حماسه گیل گمش" باشد، که نخست به زبان سومری در حدود ۲ هزار سال پیش از میلاد به کتابت در آمد. در هند نیز، "آموزه سمساره"^۲ مطرح شد، که در سده ششم پیش از میلاد، قبولی تقریباً عام پیدا کرد، هرچند

1. William Robertson

2. Semsara

منشأ آن نامشخص است. سمساره وضعیت ماندن و در بند بودن در یک چرخه کر مه^۱ و تجسد مجدد است. شکلی از آموزه تجسد مجدد را نیز در یونان باستان، فیثاغورثیان در سده پنجم پیش از میلاد، برگرفتند. آنها اعتقاد داشتند انسان‌ها طبیعتاً، بی مرگ و جاودانه‌اند (زابرسکی، ۱۳۸۸، ص ۵۰). جاودانگی نفس و بقای پس از مرگ از آموزه‌های دینی اسلام و از عناصر اصلی اعتقادی بسیاری از ادیان به‌شمار می‌آید. از این‌رو، پرداختن به مسائل مربوط به آن، حائز اهمیت است. در ایران تاکنون تحقیقی جامعه‌شناختی با این عنوان انجام نشده است، اما پایان‌نامه‌ها و مقالاتی با عنوان‌هایی چون: موت، بقا و روح (هاتفی)، تصویر زندگی پس از مرگ در فلسفه ابن‌سینا (اکبری، ۱۳۸۸)، جاودانگی نفس (رحمتی، ۸۵)، رستاخیز در عهد عتیق و عهد جدید (رحیم‌پور، ۱۳۹۱)، پرواز روح و چگونگی زندگی پس از مرگ از دید سهروردی (حیدری نوری، ۱۳۹۰)، جاودانگی انسان از دیدگاه قرآن (کریم‌زاده، ۱۳۸۴)، انسان و میل به جاودانگی (مصباح یزدی) و بسیاری دیگر از این تحقیقات انجام شده که بیشتر آنها در حیطه فلسفه و کلام، ادبیات و روان‌شناسی بوده‌اند.

به‌طور کلی بیشتر پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام شده، در زمینه معنا و مفهوم مرگ، ترس و اضطراب مرگ،^۲ پذیرش مرگ،^۳ مرگ مطلوب^۴ و نگرش به مرگ^۵ بوده است و همچنین به رابطه دین‌داری و نگرش به مرگ پرداخته شد. پیشینه پژوهش‌ها در زمینه مرگ، به سال‌های نخستین قرن بیستم میلادی باز می‌گردد که در سال ۱۹۲۶م، از سوی ویلیام بارت^۶ و همکارش در دانشگاه رویال انگلیس صورت گرفت؛ و در قالب کتاب کوچکی درباره ادراک لحظه‌های نزدیک به مرگ منتشر شد. دکتر الیزابت کوبلر راس نیز پژوهش‌هایی در حوزه پزشکی انجام دادند که در دهه ۱۹۷۰م، از سوی ریموند مودی^۷ ادامه یافت که وی برای ادراکات دم مرگ عنوان تجربه نزدیک به مرگ^۸ را برگزید (مودی، ۱۳۷۳، ص ۱۰).

جدول ۱: پیشینه تحقیق داخلی و خارجی

نتایج	عنوان تحقیق	روش	محقق
برای بعضی از ابعاد کیفیت از زندگی (سلامت عمومی، محدودیت جسمانی، و نیز بعد نشاط) و نگرش به مرگ رابطه معناداری وجود دارد و این ابعاد میان زنان و مردان متفاوت بوده. به‌طوری که نگرش به مرگ در میان زنان بیشتر بوده است.	رابطه بین کیفیت زندگی و نگرش به مرگ در سالمندان عضو کانون جهان دیدگان شهر شیراز	پیمایش	پورغلامی ۱۳۹۰

1. Karma Cycle

3. Accepting Death

5. Attitude to Death

7. Remond Mody

2. Death Anxiety

4. Good Death

6. William Barret

8. Near Death Experience

نتایج	عنوان تحقیق	روش	محقق
نتایج نشان دادند که: میزان چشمگیری از رازآلودگی و غرابت مفهوم مرگ در شهر تهران مشاهده شدنی است.	بررسی میزان رازآلودگی مفهوم مرگ در شهر تهران	مشاهده میدانی	کالانتیری و تسلیمی ۱۳۹۱
معنای مرگ در فرهنگ ما براساس دین شکل گرفته است و دین به‌عنوان عامل مشروعیت‌بخش قوی عمل می‌کند، اما پیری در خانه سالمندان صرفاً به‌عنوان یک حیات ارگانیکی شده و زندگی آنان به باری اضافی و مرگ براساس معنای قوی که از جانب دین دریافت می‌شود، بر سالمندی ارجحیت می‌یابد.	بررسی عوامل مرتبط با تصور از مرگ: مطالع موردی سالمندان تهران	مردم‌نگاری، مصاحبه عمیق، روش میدانی	کرمانی مجرد ۱۳۹۱
عناصر مختلفی در شکل‌گیری معنای مرگ تأثیر دارد مانند: رسانه‌های جمعی، وضعیت سلامت جسمی و روانی فرد، فکر مداوم به مرگ و...؛ ولی در این میان بیشترین تأثیر را بر نگرش نسبت به مرگ، اعتقاد به زندگی پس از مرگ دارد.	بررسی نگرش نسبت به مرگ: مطالعه موردی منطقه ۱ و ۲۲ تهران	پیمایش	زارع ۱۳۹۰
۱. در تجربه‌های ذهنی مرگ؛ ۲. موضوع مرکزی یا معنایی (تصور مرگ، مرگ مطلوب، پذیرش مرگ) نهفته است؛ ۳. از مهم‌ترین وجوه اشتراک تجارب ذهنی مرگ، پذیرش مرگ، عقیده به جهان پس از مرگ، فکر مرگ، ترس از مرگ و تمایل به عمر طولانی است. مهم‌ترین وجوه افتراق، اختلاف در تصویر مرگ است و در مجموع، تصورات مرگ، تحت تأثیر مذهب و فهم مذهبی است.	پدیدارشناسی تجربی معنای مرگ: مطالعه موردی زنان شهر مشهد	تحلیل پدیدارشناسی، همراه با مشاهده میدانی	یوسفی و تابعی ۱۳۹۰
نتایج نشان دادند که تعارضی در سینمای ایران با رویکرد شیعه درباره جهان پس از مرگ، و رویکرد هالیوودی وجود دارد.	تصویر بهودی مسیحی از مفهوم اسلامی جهان پس از مرگ در سینمای ایران	تحلیل محتوا	جوادی یگانه و آقاسی ۱۳۹۰
نتایج توصیفی تحقیق نشان دادند که هرچند مرگ و اعتقاد به جهان پس از مرگ، در اسلام و مسیحیت و یهود اشتراکاتی دارند، ولی درباره حتمیت مرگ و حیات پس از مرگ و نیز چگونگی بقای روح پس از مرگ تفاوت وجود دارد.	معاد در قرآن و کتب عهد عتیق (عهد قدیم و جدید)	توصیفی	کلهر ۱۳۸۴
تفاوت‌های جنسیتی درباره زندگی پس از مرگ و خرده مقیاس‌های متغیر رضایت از زندگی وجود دارند و نیز نشان داد که درباره زنان، سطح بالایی رضایت از زندگی و رفاه ارتباط مثبتی با اعتقاد به زندگی پس از مرگ ندارد.	اعتقاد به زندگی پس از مرگ: مطالعه موردی یکی از روستاهای ژاپن با نمونه ۳۴۶ نفر	پیمایش	یوشیمی و دیگران ۲۰۱۴
دین سبب امنیت وجودی افراد می‌شود، کسانی که دین‌داری درونی بیشتری دارند، اضطراب پس از مرگ کمتری دارند.	عملکرد وجودی دیانت		ون تانگرن ۲۰۱۳
نتایج رگرسیون چند خطی نشان داد که رشد اقتصادی، با تضعیف ارزش‌های دینی همراه بوده و رشد اقتصادی با کاهش میزان حضور افراد در کلیساها همراه بوده است، ولی رابطه مستقیمی با کاهش اعتقادات دینی ندارد. کاهش باورهای مذهبی یک نتیجه ثانوی، تغییر رفتاری نرخ حضور افراد در اعمال عبادی است.	تأثیر رشد اقتصادی بر باورها و اعمال دینی مطالعه موردی ۱۳ کشور اروپا	پیمایش	یوخن ۲۰۱۳

مبانی نظری

دیدگاه اسلام

اسلام، همانند دیگر ادیان، زندگی پس از مرگ جسمانی را پذیرفته است، با این تفاوت که آخرت‌شناسی اسلام در قیاس با ادیان دیگر جهان، بسیار صریح و شفاف است. کتاب مقدس ما مسلمانان "قرآن کریم"، در آیاتی متعدد سیمای آخرت را به تصویر کشیده که از جمله مهم‌ترین عناصر آن عبارت‌اند از: مرگ، ورود به عالم برزخ، رخدادهای پیش از رستاخیز، نفع صور، ظهور زندگانی اخروی، حساب اعمال، شاهدان اعمال، جزا، جهنم و بهشت. در قرآن مجید، ۱۴۰۰ آیه به این امر مهم اختصاص یافته و از اصل توحید که بگذریم، بیش از هر اصل دیگری از جهات گوناگون مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است که بیانگر اهمیت فوق‌العاده آن است. قرآن کریم از روز واپسین با نام‌های گوناگونی یاد کرده است که هر کدام ویژگی و بُعدی از ابعاد آن را تبیین می‌کند، از جمله: یوم الدین، یوم القیامه، یوم الحساب، یوم الجمع، یوم الفصل، یوم الحسرة، یوم الخروج، یوم البعث، یوم الآخر و یوم الخلود. افزون بر این، قرآن کریم در مقام مجادله با منکران معاد با به یاد آوردن قدرت بیکران الهی، از راه توجه به آفرینش نخستین، با ذکر نمونه‌های معاد در طبیعت، با نقل نمونه‌های تاریخی معاد و اینکه انکار معاد دلیل ندارد، امکان وقوع معاد را خاطر نشان می‌سازد و نیز در پاره‌ای از آیات خود که بیشتر بر یکی از اوصاف الهی مانند حکمت الهی و عدالت الهی تأکید می‌کند، بر ضرورت وقوع معاد تأکید می‌ورزد. از دیدگاه اسلام، هر جنبنده‌ای، از جمله انسان، پذیرا و چشنده مرگ است و فقط تا مدت معینی می‌تواند در این دنیا باقی بماند. با فرارسیدن زمان مرگ، خدا یا ملک الموت یا دستیاران او، روح آدمی را به‌طور کامل می‌ستانند. البته، مرگ به معنای نابودی و انهدام نیست، بلکه بازگشت به سوی خداست که با انتقال از نشئه دنیا و ورود به نشئه دیگر (آخرت) تحقق می‌یابد (کاظم‌خانی، ۱۳۹۱).

مرگ‌اندیشی در منابع اسلامی

مسئله مرگ‌اندیشی در همه ادیان الهی از جمله اسلام، یک برنامه تربیتی برای تکامل و سعادت انسان است. در این میان مکتب اسلام، از آغاز بعثت پیامبر ﷺ، بسیار جدی و اندیشمندانه از مرگ و زندگی پس از آن سخن به میان آورده که به مواردی در ذیل اشاره می‌کنیم:

الف) مرگ‌اندیشی در قرآن

در قرآن اندیشیدن به مرگ و جهان پس از مرگ با شیوه‌های گوناگون بیان شده است:

- تشبیه مرگ به خواب: در برخی آیات، مرگ به خواب تشبیه شده است. «خداوند ارواح را هنگام مرگ می‌گیرد و ارواحی را که نمرده‌اند نیز به هنگام خواب می‌گیرد، سپس ارواح کسانی را که فرمان مرگشان را صادر کرده، نگه می‌دارد» (زمر، ۴۲)؛

- تشبیه و تمثیل: در آیاتی از قرآن چون (کهف، ۴۵؛ یونس، ۲۴ و...) حقیقت مرگ و حالات انسان در آن هنگام را به صورت تمثیل بیان کرده است. در برخی منابع آمده است که کاربرد تمثیل و تشبیه‌های قرآن از زندگی انسان به امور طبیعی مانند باد، باران و گیاهان برای این است که به انسان گوشزد کند زندگی‌اش مانند اینها روزی به پایان خواهد رسید.

ب) مرگ‌اندیشی در سیره پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام)

با مراجعه به منابع روایی می‌توان به انبوهی از روایات امامان معصوم (علیهم‌السلام) درباره مرگ دست یافت. در روایتی از رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) درباره اهمیت مرگ و اندیشیدن به آن نقل شده است: «بهترین عبادت، زهد و رزی و تفکر، این است که انسان، همواره در اندیشه مرگ باشد و هرکس زیاد در این اندیشه باشد، قبرش را باغی از باغستان‌های بهشت یابد» (مجلسی، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۱۳۷) و نیز می‌فرماید: «النوم اخ الموت؛ خواب برادر مرگ است. امام علی (علیه‌السلام) نیز می‌فرماید: «پیش از فرارسیدن مرگ، خود را برای پیشامدهای پایان زندگی دنیا آماده سازید. هدف نهائی، قیامت است. مرگ برای خردمندان، پند و اندرز و برای جاهلان، سیر عبرت‌آموزی است» (دشتی، ۱۳۷۵، خطبه ۱۹۰، ص ۳۷۲).

جهان پس از مرگ، یعنی جهان دیگر و همه مراحل که زندگی پس از مرگ را شامل می‌شود (معین، ۱۳۸۵، ص ۱۰۶). زندگی پس از مرگ، حیاتی است که پس از مرگ انسان آغاز می‌شود. مطابق آنچه از نصوص قرآن کریم و اخبار و روایات متواتر و انکارناپذیری که از رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) در دست است، هیچ‌کس بلافاصله پس از مرگ وارد عالم قیامت نمی‌شود. در قرآن کریم در صدها آیه به‌گونه‌ای درباره عالم پس از مرگ، روز قیامت، کیفیت حشر اموات، حساب و ضبط اعمال، بهشت و جهنم و جاودانگی عالم آخرت و سایر مسائل مربوط به عالم پس از مرگ بحث کرده است، ولی در دوازده آیه، پس از ایمان به خداوند، از ایمان به روز رستاخیز یاد شده است. قرآن کریم از مرگ به «توفی» تعبیر می‌کند (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۴). از نظر قرآن کریم زندگی پس از مرگ به‌طور کل شامل دو مرحله اصلی است: عالم برزخ و عالم قیامت.

مرحله اول: عالم برزخ پایان‌پذیر است در حالی که قیامت پایان‌ناپذیر است. هر فردی، بلافاصله پس از مرگ وارد عالم برزخ می‌شود. در عالم قیامت، همه انسان‌ها و اشیا در واقع کل جهان هستی، وارد مرحله قیامت می‌شوند (همو، ۱۳۸۵، ص ۲۴). اگر چیزی میان دو چیز فاصله باشد «برزخ» نام دارد. قرآن کریم از زندگی پس از مرگ تا قیامت با کلمه «برزخ» تعبیر کرده و

می فرماید: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ... وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ؛ (مؤمنون، ۱۰۰) تا آنگاه که زمان مرگ یکی از آنها فرا رسد می گوید: پروردگارا مرا باز گردان... و از جلوی آنها (از حین مرگ) تا روزی که مبعث شوند برزخ و فاصله‌ای است»؛

مرحله دوم: حیات پس از مرگ، قیامت کبراست، قیامت در لغت به معنای برانگیخته شدن پس از مرگ است (عمید، ۱۳۸۰، ص ۴۴۹). مرحله قیامت، برخلاف برزخ که مربوط به فرد است و هرکس بلافاصله پس از مرگ وارد برزخ می‌شود، مرحله‌ای است که مربوط به جمع است و همه افراد و عالم را در بر می‌گیرد. قیامت کبرا حادثه‌ای است که همه اشیا و انسان‌ها را در بر گرفته و واقعه‌ای است که برای کل جهان رخ داده وارد مرحله و زندگی جدیدی می‌شوند (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۳۴). شهید مطهری در کتاب حیات اُخروی، موضوع مرگ و جهان آخرت را از نظر اسلام چنین تبیین و تشریح می‌کند: منبع و منشأ اصلی ایمان به حیات جاوید، همانا وحی الهی است که پیامبران به بشر ابلاغ کرده‌اند.

ماهیت مرگ: مفهوم مرگ از نظر قرآن "توقی" است که انسان با تمام شخصیت و واقعیت خود، تحویل کارگزاران الهی بشود. مرگ به معنای نیستی و نابودی نیست، بلکه انتقال از عالمی به عالم دیگر است. میان زندگی در این جهان و آخرت، یک پیوستگی مستقیم وجود دارد. بدین معنا که عملکرد خوب و بد ما در جهان خاکی تعیین‌کننده سرنوشت ما در آخرت است. برخی از آیات قرآن (عنکبوت، ۵ و کهف، ۱۱۰) از مرگ، به لقا الله تعبیر کرده و زندگی پس از مرگ را بهترین و کامیاب‌ترین زندگی برشمرده‌اند. در آخرت، انسان جاودانه است و در روز قیامت، همه اعمال، کردار و آثار گذشته خود را به چشم می‌بینند و آثار و اعمال نیک با صورت‌های بسیار زیبا و لذت‌بخش تجسم می‌یابند، در حالی که آثار و کردارهای زشت انسان به صورت دهشتناک ظاهر شده و به صورت کانون درد و رنج درمی‌آیند (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۲۵-۳۷).

زندگی دنیوی و اُخروی وجوه مشترکی دارند، از جمله اینکه هر دو آنها حقیقی و واقعی است. در هر دو زندگی، انسان به خود و آنچه به او تعلق دارد، آگاه است. در هر دو، لذت و رنج وجود دارد. غرائز انسان اعم از غرائز حیوانی و غرائز ویژه انسان در هر دو زندگی حکمفرما هستند و وجوه افتراقی نیز با هم دارند؛ از جمله: در جهان آخرت مرگ معنایی ندارد و هرچه هست حیات جاویدان است. همه چیز در آن جان دارد، شعور و آگاهی در آن جنبه مطلق دارد (همان، ص ۴۲). قرآن کریم می‌گوید: اگر قیامت، حیات جاوید، سعادت جاوید و پاداش و کیفر اُخروی نباشد، بر ضد عدل خداوندی است و نوعی ظلم است و ظلم بر خداوند نارواست. اگر حیات پس از مرگ و پایان ثابت و ابدی در کار نباشد خلقت عبس و پوچ است و عبث‌کاری هم، بر خداوند نارواست (همان، ص ۵۴).

دیدگاه جامعه‌شناسان

کار یک جامعه‌شناس مطالعه و تبیین ساحت ناسوتی دین است و نمی‌تواند در خصوص صدق یا کذب بودن وجود حوزه لاهوتی دین داوری علمی کند، اما با توجه به غیبت صورت‌ها می‌تواند درباره نحوه تعامل نهادها و آموزه‌های دینی، با شرایط اجتماعی و نیز نهادهای اجتماعی و تأثیر متقابل این دو را بر هم داوری کند (بکفورد، ۱۳۸۸، ص ۱۵). رویکرد جامعه‌شناختی به دین رویکردی است که همواره، ماهیت برساخته اجتماعی، تقریباً همه کارهای انسانی را مورد توجه قرار می‌دهد و بر برخی فرایندهای اجتماعی شدن، قیدوبندهای بیرونی در مورد انتخاب فردی دین تأکید دارد. این رویکرد باید دلیل اعتقاد یافتن افراد به چیزهای خاص را روشن کند، حتی معجزه‌آساترین، خیال پردازترین، غیرعقلانی‌ترین، باورنکردنی‌ترین چیزها را، زیرا دیگرانی هستند که در جهان اجتماعی خاص خود، بدین چیزها معتقد هستند (همان، ص ۲۲۲-۲۲۳).

دورکیم^۱ "دین" را به عنوان پایداری صاحب معنا و کارکرد مستقل می‌داند. دین عبارت است از، نظامی هماهنگ از باورها و اعمال نسبت به چیزهای مقدس، یعنی همان چیزهایی که جدای از پدیده‌های عادی هستند. عقاید و اعمالی است که همه کسانی را که به این عقاید و اعمال معتقدند در یک اجتماع واحد اخلاقی به نام کلیسا یکپارچه می‌سازد (کوزر، ۱۳۹۰، ص ۱۹۸). به نظر دورکیم، مهم‌ترین کارکرد مناسک دینی عبارت‌اند از: ۱. یگانگی فرد؛ ۲. ثبوت و ظهور مجدد عقاید و ارزش‌ها؛ ۳. منسجم کردن فرد در جامعه.

همچنین اهمیت مناسک، در این است که با مشارکت افراد در آنها، قدرت اخلاقی جامعه افزایش یافته، در نتیجه انسجام و همبستگی اجتماعی حاصل می‌شود (ویلسم، ۱۳۷۷، ص ۱۷۴). هاری آلپر، پژوهشگر دورکیمی، چهار کارکرد، عمده دین را از نظر دورکیم، به عنوان نیروهای اجتماعی انضباط‌بخش، انسجام‌بخش، حیات‌بخش و خوشبختی‌بخش طبقه‌بندی کرده است. آیین‌های مذهبی از طریق، تحمیل انضباط بر نقش‌ها، انسان‌ها را برای زندگی اجتماعی مهیا می‌سازند، تشریفات مذهبی، مردم را گرد هم می‌آورند و بدین‌سان، پیوندهای مشترکشان را دوباره تصدیق کرده، همبستگی اجتماعی را تحکیم می‌بخشند. اجرای مراسم، میراث اجتماعی گروه را ابقا و احیا می‌کند و ارزش‌های پایدار آن را به نسل‌های آینده انتقال می‌دهد. سرانجام اینکه، جدول دین کارکرد فرح‌بخشی نیز دارد، زیرا با برانگیختن احساس خوشبختی در مؤمنان و احساس اطمینان به حقانیت ضروری جهان اخلاقی که خودشان در مؤمنان ایجاد می‌کند، با احساس ناکامی و فقدان ایمان در آنها مقابله می‌کند. دین با مقابله کردن با احساس فقدان، که درباره مرگ

1. Emile Durkheim

هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی تجربه می‌شود، به تثبیت توازن اعتماد خصوصی و عمومی یاری می‌رساند. در وسیع‌ترین سطح، دین به‌عنوان یک نهاد اجتماعی، به گرفتاری‌های وجودی انسان معنایی خاص می‌بخشد؛ زیرا فرد را به قلمرو فردی ارزش‌های متعالی وابسته می‌سازد، همان ارزش‌هایی که در نهایت ریشه در جامعه دارد (کوزر، ۱۳۹۰، ص ۲۰۰). از نظر دورکیم انسانی که حیات دینی (مذهب) دارد، باور دارد که در نیروهایی مسلط بر خویش مشارکت می‌کند، نیروهایی که حمایتش کرده و با تکیه بر همین نیروها می‌تواند با گرفتاری‌ها و مشکلات زندگی مواجه شده و به زندگی خود معنا بخشد.

ماکس وبر^۱ معتقد بود اخلاق پروتستان به مؤمن دستور می‌دهد که از خوشی‌های این جهان بر حذر باشد و ریاضت‌جویی فعالانه، تنها یکی از جهت‌هایی است که دین مبتنی بر رستگاری ممکن است در پیش گیرد. کار عقلانی به منظور کسب سود و پرهیز از به مصرف رساندن سود، رفتاری بسیار عالی است که برای توسعه سرمایه‌داری ضرورت دارد (آرون، ۱۳۸۲، ص ۶۱۱). وبر، میان دین و رنج، پیوند بسیار نزدیکی برقرار کرد. گرایش به توجیه بدبختی بر حسب گناهکاری و کیفر فراطبیعی، نیز از همین مسئله نشئت می‌گیرد. بدین‌گونه که شوربختان که رنج می‌برند نیز به شدت نیاز دارند رنج و بدبختی خود را به‌گونه‌ای توجیه‌کننده که جنبه تصادفی نداشته، بلکه جزئی از یک الگوی معنادار و نظم عادلانه باشد. به اعتقاد وبر، دین اساساً پاسخی است به دشواری‌ها و بی‌عدالتی‌های زندگی. وی کوشید تا این ناکامی‌ها را توجیه کند و در نتیجه انسان را قادر به کنار آمدن با آنها سازد و در برابر این مشکلات به آنها اعتماد به نفس بخشد. مفاهیم دینی بر اثر این واقعیت پدید می‌آیند که زندگی اساساً مخاطره‌آمیز و نامطمئن است. بی‌اطمینانی بدین معناست که انسان‌ها برخی چیزها را آرزو می‌کنند، ولی آرزوهایشان همیشه برآورده نمی‌شوند (همیلتون، ۱۳۹۰، ص ۲۳۵).

از نظر وبر، دین می‌تواند خصلت به ظاهر خودسرانه جهان را، معنادار و سامان‌مند جلوه دهد. همان چیزی را فراهم می‌کند که وبر آن را «توجیه الهی» خوشبختی و بدبختی می‌نامد. خوشبختان سزاوار بخت خوش هستند و بدبختان یا سزاوار سرنوشت خود هستند یا بدبختی آنان در این جهان، موقتی است و در جهان دیگر، پاداش سزاوارشان را خواهند گرفت (همان، ص ۲۳۶). از دیدگاه وی، دین در معنا کردن تجربه‌های زندگی اقشار اجتماعی کاربرد دارد. از این‌رو، میان نیازهای دینی و تجربه‌های زندگی اقشار اجتماعی بالا، رابطه برقرار می‌سازد (کلاکی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۱). وبر، معتقد است اندیشه‌های دینی، چیزی جز بازتاب‌های موقعیت‌های مادی و منافع گروه‌های اجتماعی، نیستند. اقشار اجتماعی مختلف در جامعه پیغام‌های دینی متفاوتی دارند و به لحاظ

1. Max Weber

جامعه‌شناختی، ممکن است نیازهای طبقات اجتماعی با نیازهای دینی در این راستا یکی شوند. از دیدگاه او، براساس نظر وبر، مذهب برای انسان معنا ایجاد می‌کند و به زیستن و مردن انسان معنا می‌بخشد. تضمین روانی دین، هدفش یکی است و آن چیزی جز درک‌پذیر ساختن جهان نیست. این جریان معمولاً مستلزم، توجیه پایگاه خاص و سرنوشت خاص گروه‌های معین اجتماعی نیز هست (همیلتون، ۱۳۹۰، ص ۲۴۰-۲۴۲).

از نظر استارک و بین‌بریج،^۱ دین اساساً کوششی است برای برآوردن آرزوها یا به‌دست آوردن پاداش‌ها. آنها پاداش‌ها را به‌عنوان هر چیزی در نظر می‌گیرند که انسان آرزویش را دارد و برای به‌دست آوردنش حاضر است نوعی خسارت را تحمل کند. پاداش‌هایی که باورداشت‌ها و رفتارهای دینی به‌دست می‌دهند، از نوع بسیار کلی‌اند که تعقیب آنها مستلزم پنداشت‌های مابعدالطبیعی است و برای آن تبیین‌هایی دارند: چرا و چگونه باید پاداش‌ها را به‌دست آورد و خسارت‌هایش را باید تحمل کرد؟ (همان، ص ۳۰۹-۳۱۰). دین با تبیین‌های، فراطبیعی سروکار دارد. منظور آنها از پاداش‌ها، نیروهایی هستند که به اعتقاد انسان‌ها، در فرا سوی و بیرون از واقعیت جای دارند و می‌توانند نیروهای مادی و طبیعی را دفع کنند. اگر این پاداش‌ها دست‌نیافتنی باشند، در نبودن این پاداش‌ها، تبیین‌هایی باید پذیرفته شوند که دستیابی به پاداش‌ها را به آینده‌ای دور یا موقعیت‌های اثبات‌ناشدنی دیگر حواله می‌کنند. استارک و بین‌بریج، جبران‌کننده‌ها را پاداش‌های بسیار کلی می‌دانند که، تنها با تبیین‌هایی تأیید می‌شوند که به نیروهای فراطبیعی ارجاع شوند. این امر بدان معناست که دین یک رشته باورداشت‌های مربوط به ماهیت پاداش‌های کلی را فراهم می‌سازد که می‌توان به دستشان آورد و در صورت امکان ناپذیری دستیابی به آنها، در همین زمان و مکان، یک رشته جبران‌کننده در اختیار بشر قرار می‌دهد؛ نمونه این پاداش‌های دسترس‌ناپذیر آرزوی جاودانگی است که باید با ایمان آن را پذیرفت. استارک و بین‌بریج می‌گویند: اعتقاد به جاودانگی از آرزوهایی نیست می‌گیرد که به همان صورتی که آرزوهای روزانه و دنیوی، برآورده می‌شوند، نمی‌توان آنها را برآورده کرد. بدین معنا، جاودانگی نوعی پاداش است. پاداش از نظر آنان، هر چیزی است که انسان آرزومندش باشد و برای دستیابی آن باید چیزی را فدا کند. دین به انسان می‌گوید: درد و رنج دنیوی را در عوض دستیابی به پاداش آن دنیایی تحمل کن. بر این اساس، مذهب نوعی احساس فراطبیعی به انسان می‌بخشد (همان، ص ۳۱۱).

نظریه استارک و بین‌بریج به نظریه محرومیت^۲ معروف است؛ بر این اساس، محرومیت می‌تواند نقش مهمی در برانگیختن رفتار دینی بازی کند، اما به هیچ‌وجه تنها عامل یا مهم‌ترین

1. Rodney Stark & William Bainbridge

2. Deparivation Theory

عامل در این قضیه نیست. در برخی محرومیت‌ها، مانند گریزناپذیری مرگ، افراد دارا و ندار به یکسان سهم هستند و همچنان که وبر می‌گوید: پای‌بندی دینی نه تنها بر اثر آرزوی غلبه بر محرومیت، بلکه به‌عنوان بیان و توجیه نیز می‌تواند برانگیخته شود. از نظر استارک و بین‌بریج، نظریه محرومیت این استدلال را دارد که افراد در حیات اجتماعی خود در معرض انواع محرومیت‌ها قرار می‌گیرند و به دنبال راه حلی برای این مشکل می‌گردند تا هرچه زودتر این احساس محرومیت را برطرف سازند. از این‌رو، دین با ایجاد سازوکار جبرانی، شرایط مزبور را تحمل‌پذیر کرده و آنها را تسلی می‌بخشد. از این‌رو، افراد به دین روی می‌آورند. در حقیقت، جامعه‌شناسان از ابتدا تلاش کردند مسئله تبیین دین‌داری را به رابطه میان دین و نابرابری‌های اجتماعی پیوند دهند. در همین راستا، توجه اصلی دانش‌پژوهان علوم اجتماعی بر سه محور کلی، ولی مرتبط با هم، بوده است که عبارت بودند از: تأثیر نابرابری‌های اجتماعی بر دین، تأثیر دین بر نابرابری‌های اجتماعی و ارتباط میان دین و طبقه اجتماعی، یا به‌طور دقیق‌تر، ارتباط دین‌داری با پایگاه اقتصادی-اجتماعی. برای تبیین دین‌داری، جامعه‌شناسان پاسخ‌های نظری متفاوتی داده‌اند که قدیمی‌ترین این نظریه‌ها، «نظریه محرومیت» است. نظریه محرومیت اجتماعی در جامعه‌شناسی، یکی در آزا و افکار کارل مارکس ریشه دارد و در روان‌شناسی به افکار فروید برمی‌گردد و مهم‌ترین نظریه‌پردازان مدرن آن گلارک و استارک ۱۹۶۵، استارک و بین‌بریج ۱۹۸۰ و ۱۹۸۵ و نوریس اینگلهارت ۲۰۰۴ م، بوده‌اند. در این میان مارکس، دین را به‌عنوان مرهم و التیامی نامناسب برای محرومیت اقتصادی می‌نگریست و معتقد بود هنگامی که مشکلات اقتصادی حذف شوند، دیگر نیازی به افیون مذهب نیست (استارک، ۲۰۰۳، ص ۵، به نقل از طالبان، ۱۳۸۹، ص ۱). از نظر استارک و بین‌بریج «محرومیت نقش مهمی در برانگیختن رفتار مذهبی ایفا می‌کند، اما به هیچ روی تنها یا مهم‌ترین عامل در این زمینه نیست» (همیلتون، ۱۳۹۰، ص ۳۲۲). بر این اساس، محرومیت وضعیتی است که فرد نمی‌تواند یک یا چند نیاز خود را برآورده سازد. از نظر استارک، "محرومیت" هرگونه یا همه طریقه‌هایی که فرد یا گروه، حقیقتاً نابرخوردار است یا در مقایسه با سایر افراد یا گروه‌ها یا براساس مجموعه‌ای درونی شده از استانداردها، احساس نابرخورداری می‌کند (طالبان، ۱۳۸۹، ص ۵).

فروید استدلال می‌کند که زندگی به ناچار با محرومیت همراه است؛ از آنجا که خود تمدن مستلزم نظم و مقررات اجتماعی است که بدون تحمیل محرومیت بر افراد نمی‌تواند تحقق پذیرد و نیز از جانب طبیعت و دیگران و جامعه بر فرد نیز محدودیت وارد می‌شود. از دید او گرایش انسان به مذهب، تلاشی برای مقابله با تهدیدها و محرومیت‌های طبیعی از طریق انسانی کردن آنهاست.

مردم می‌کوشند تا با خیال‌پروری و ایدئال‌سازی رنج‌های خود را توجیه و قابل‌تحمل سازند و اینکه بر خلاف این زندگانی مادی و آلوده به تمدن، به زندگی روحانی پس از مرگ معتقدند که رنج‌های این دنیا در آن جبران می‌شوند (فروید، بی‌تا، ص ۱۵۴). از نظر وی مهم‌ترین وظیفه‌ای که دین، در این مرحله انجام می‌دهد و مسئله دین و ساختن و پرداختن جهانی ایدئال و دلخواه پس از مرگ است که نقطه مشترک همه ادیان و مذاهب محسوب می‌شود. این فلسفه، توجیه‌گر مرگ است و بر حسب آن مرگ پایان زندگانی محسوب نمی‌شود و با بروز مرگ نیستی و بی‌تفاوتی آغاز نمی‌گردد، بلکه با وقوع مرگ مرزی نوین در زندگانی نمایان می‌شود، با این تفاوت که نسبت به تکامل آن، قوانین پیشرفته‌تر و عالی‌تر هستند (همان، ص ۱۵۴-۱۸۳).

اینگلهارت^۱ نیز در بررسی خود در کشورهای صنعتی نشان داد تحولات رخ داده، نسبت به مذهب و دیگر اندیشه‌های جامعه، در دیدگاه‌های نسل جدید که فرامادیون یاد می‌کنند، در مقایسه با نسل گذشته، ناشی از شرایط متفاوت این دو نسل است. به‌طور کلی تحول نسلی، بازتاب شرایط متفاوت و محیط خاص تاریخی است که افراد، در آن رشد یافته‌اند (اینگلهارت، ۱۳۷۳، ص ۶۱). وی معتقد است ارزش‌های جوامع در حال گذار از ارزش‌های مادی به فرامادی در بعدهای رفتار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی (زوال‌گرایش‌های مذهبی سنتی و هنجارهای اجتماعی و جنسی متعارف) است (همان، ص ۴). به اعتقاد وی، گروه‌های سنتی جوان‌تر، نسبت به گروه‌های مسن‌تری که بسیار بیش از آنها طعم نبودن امنیت اقتصادی را چشیده‌اند، به نیازهای غیرمادی مانند کیفیت زندگی و درک عمومی بیشتر بها می‌دهند (همان، ص ۳۳ و ۶۱). اینگلهارت دلایل افول هنجارهای مذهبی، اجتماعی و جنسی جوامع سنتی را در جوامع پیشرفته صنعتی چنین بیان می‌کند: اولین علت آن، افزایش احساس امنیت است که نیاز به هنجارهای مطلق را کم‌رنگ می‌سازد. افراد تحت فشارهای روانی نیاز به مقررات قابل پیش‌بینی و خشک دارند، آنها نیاز به آن دارند که از آنچه روی می‌دهد اطمینان حاصل کنند؛ زیرا در خطر هستند. در اوضاع نسبتاً امن و بی‌خطر شخص می‌تواند تنوع و اختلاف بیشتری را تحمل کند، از این‌رو، فرد نیازی به امنیت حاصل از مقررات خشک و مطلق که بازدارنده دینی قادر به تأمین آن است، ندارد. وی معتقد است رفتاری که از هنجارهای سنتی منحرف شده ممکن است به تدریج مقبولیت یابد و گروه‌هایی که به احتمال بیشتر این اشکال جدید رفتار را می‌پذیرند، جوانان و گروه‌های نسبتاً مرفه هستند، نه گروه‌های مسن و محروم (همان، ص ۲۰۲-۲۰۳).

سال‌ها پرسش اساسی کسانی که به رابطه جنسیت و دین‌داری می‌پرداختند این بود که چرا زنان

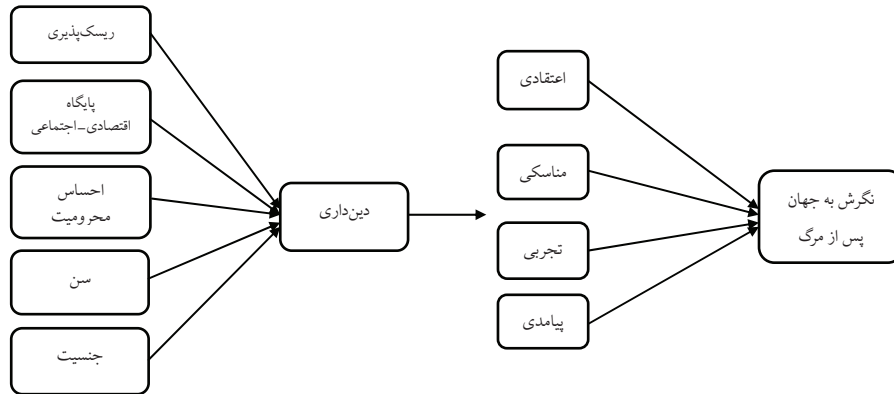
1. Norris Inglehart

دین‌دارتر، از مردان هستند و فرضیاتی مطرح ساختند و آنها را بررسی کردند. میلر و استارک (۲۰۰۲)، تحقیقی را با نام «جنسیت و دین‌داری: آیا تبیین‌های دین‌داری همچنان پایدارند؟» انجام دادند. آنها معتقدند فرض غالب در جامعه‌شناسی این است که تفاوت دین‌داری در میان دو جنس، مربوط به تفاوت اجتماعی شدن آنهاست. با وجود این، تحقیقات تجربی کمی در تأیید این فرضیه وجود دارند. این محققان با این پیش‌فرض، به بررسی عمیق این فرضیه پرداختند که آیا میان نگرش‌های جنسیتی و تفاوت‌های جنسیتی در اعتقادات و رفتار دینی رابطه‌ای وجود دارد؟ یافته‌ها نشان داد که هیچ ارتباطی میان این دو وجود ندارد، در عوض آنها فرضیه جدیدی با نام «ترجیح ریسک» پیشنهاد کردند. آنها معتقدند، زنان به این دلیل دین‌دارترند که بی‌دینی تا حد زیادی مستلزم ریسک بیشتری است (میلر و استارک، ۲۰۰۲). پذیرش ریسک، قرار دادن خود در معرض آسیب یا زیان است، احتمال زیادی وجود دارد (بهمن‌پور و محمودی، ۱۳۸۹، ص ۳۷). آنها معتقدند این تفاوت‌های جنسیتی در دین‌داری، منشأ فیزیولوژیکی دارند و ناشی از اولویت ریسک هستند. بر این اساس، مردان به دلیل اولویت ریسک‌پذیری خود، بیشتر به رفتارهای با ریسک بالا روی می‌آورند و زنان به دلیل ریسک‌گریزیشان، بیشتر دین‌دار هستند (میلر و استارک، ۲۰۰۲، به نقل از کالت، ۲۰۰۹، ص ۱-۲).

فرضیه‌های تحقیق

۱. به نظر می‌رسد میان جنسیت و نگرش مردم به جهان پس از مرگ، رابطه معناداری وجود دارد؛
۲. به نظر می‌رسد میان میزان دین‌داری و نگرش مردم نسبت به جهان پس از مرگ، رابطه معناداری وجود دارد؛
۳. به نظر می‌رسد میان بعد اعتقادی و نگرش نسبت به جهان پس از مرگ، رابطه وجود دارد؛
۴. به نظر می‌رسد میان بعد مناسکی و نگرش نسبت به جهان پس از مرگ، رابطه وجود دارد؛
۵. به نظر می‌رسد میان بعد تجربی و نگرش نسبت به جهان پس از مرگ، رابطه وجود دارد؛
۶. به نظر می‌رسد میان بعد پیامدی و نگرش نسبت به جهان پس از مرگ، رابطه وجود دارد؛
۷. به نظر می‌رسد میان پایگاه اقتصادی و اجتماعی (محرومیت اقتصادی) و نگرش نسبت به جهان پس از مرگ، رابطه معناداری وجود دارد؛
۸. به نظر می‌رسد میان سن و نگرش نسبت به جهان پس از مرگ، رابطه معناداری وجود دارد؛
۹. به نظر می‌رسد میان احساس محرومیت و نگرش به جهان پس از مرگ، رابطه معنادار وجود دارد؛
۱۰. به نظر می‌رسد میان ریسک‌پذیری و نگرش نسبت به جهان پس از مرگ، رابطه معناداری وجود دارد.

مدل نظری تحقیق



نمودار ۱: مدل نظری تحقیق

روش تحقیق

در این پژوهش، موضوع تحقیق با روش پیمایشی^۱ کاوش و بررسی شده است. از آنجا که در این بررسی برای جمع‌آوری اطلاعات به مردم شهر بابل مراجعه می‌کنیم، روش اصلی این تحقیق پیمایش بوده و از نوع رابطه‌ای است. در این میان، از روش اسنادی نیز برای مطالعات اکتشافی، تعیین حدود موضوع، شناخت بیشتر مسئله تحقیق و در نهایت مروری بر ادبیات و مبانی نظری تحقیق - که به تدوین یک چارچوب نظری مناسب با موضوع تحقیق منجر شود- استفاده شده است. جامعه آماری براساس داده‌های سرشماری نفوس مسکن ۱۳۹۰ به‌دست آمده، از معاونت برنامه‌ریزی استانداری مازندران افراد بیست سال به بالای شهر بابل ۱۷۰ هزار بوده‌اند. برای برآورد حجم نمونه در این بررسی از فرمول کوکران به شرح ذیل استفاده شد:

$$\Rightarrow n = \frac{Nt^2pq}{(n-1)d^2 + t^2pq} = 300$$

که در آن حجم نمونه $n=300$ ، جامعه آماری $N=170000$ ، احتمال وجود صفت $p=0/5$ ، احتمال عدم وجود صفت $q=0/5$ ضریب اطمینان $t=1/96$ دقت مطلوب احتمال $d=0/056$ است. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای^۲ استفاده شده است و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، از آزمون t دو نمونه مستقل، آزمون من ویتنی، ضریب همبستگی اسپیرمن، رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر استفاده شده است.

1. Survey Method

2. Multi-Stage Cluster Sampling

تعریف نظری متغیرها

جنس: در جامعه‌شناسی از واژه «جنس» برای توصیف سرشت طبیعی و ظاهر فیزیکی افراد استفاده می‌شود. از این نظر، بیشتر انسان‌ها مرد یا زن‌اند، مرد یا زن بودن جنس آنهاست (جلائی‌پور و محمدی، ۱۳۸۷، ص ۴۸۵).

ریسک‌پذیری: ^۱ ریسک‌پذیری مشتمل بر ویژگی‌ای است که فرد برای انجام کاری یا پذیرش مسئولیتی، که احتمال شکست در آن وجود دارد، اعلام آمادگی می‌کند. ریسک‌پذیری ممکن است به آگاهی فرد از موضوع بستگی نداشته باشد و حتی فرد از نتایج و پیامدهای احتمالی آن نیز بی‌اطلاع باشد (لطیفی، ۱۳۶۹).

دین‌داری: ^۲ یعنی داشتن اهتمام دینی، به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴، ص ۳۶). به بیان دیگر، دین‌داری، را می‌توان «شناخت و باور به پروردگار یکتا، انبیا، آخرت و جهان هستی در جهت قرب خدا و التزام و عمل به وظایف دینی» دانست (خدایاری‌فرد، ۱۳۸۵، ص ۱۳).

بهشت: ^۳ باغی است که از خوبی و خرمی نظیر ندارد و جایی است که نیکوکاران پس از مرگ، همیشه در آنجا خواهند بود (عمید، ۱۳۸۰، ص ۲۹۲).

جهنم: ^۴ جای بسیار بد و سوزان، جایگاه گناهکاران در قیامت (همان، ص ۶۱۷).

قیامت: ^۵ قیامت در لغت به معنای برانگیخته شدن پس از مرگ است (همان، ص ۴۴۹).

آخرت (جهان پس از مرگ): ^۶ یعنی جهان دیگر و همه مراحل زندگی پس از مرگ را شامل می‌شود (معین، ۱۳۸۵، ص ۱۰۶).

مرگ: ^۷ مرگ به وضعیت نبودن انسان (پایان زندگی) گفته می‌شود، که در مجموعه‌ای از روابط اجتماعی، شخصی، اقتصادی، سیاسی و اخلاقی شکاف ایجاد می‌کند، که شکاف‌های ایجاد شده در حوزه‌های مربوط بر جامعه تأثیر می‌گذارند (جلائی‌پور و محمدی، ۱۳۸۷، ص ۴۹۴).

عالم برزخ: نخستین منزلگاه انسان پس از مرگ را برزخ می‌نامند. در واقع انسان پس از مرگ، یک‌باره وارد جهان اخروی نمی‌شود؛ برزخ میان دنیا و آخرت است که هرکس بمیرد وارد آن می‌شود و تا وقوع «قیامت کبرا» در آنجا به سر می‌برند، در فاصله مرگ تا قیامت، انسان‌ها در خاموشی، بی‌حسی و بی‌حیاتی به سر نمی‌برند، بلکه در فاصله میان دنیا و قیامت، عالمی به مراتب برتر از دنیای کنونی هست که دارای حیات همراه با لذت و سرور است این عالم، عالم برزخ نام دارد که نسبت به قیامت کبرا،

1. Risk

2. Religiosity

3. Heaven

4. Hell

5. Resurrection

6. World after death

7. Death

قیامت کوچک نامیده می‌شود (اسدی، ۱۳۷۹، ص ۲۵ و ۳۲). شیخ طبرسی در تفسیر مجمع البیان سه احتمال برای برزخ بیان داشته است: ۱. واسطه و فاصله میان مرگ تا برانگیخته شدن از قبر؛ ۲. واسطه و حائل میان مردگان و اهل دنیا تا روز قیامت؛ ۳. فاصله و مدت زمان قبر تا روز قیامت.

پایگاه اقتصادی-اجتماعی^۱

محرومیت: ^۲ از نظر استارک، محرومیت هرگونه یا همه طریقه‌هایی که فرد یا گروه، حقیقتاً نابرابر است یا در مقایسه با سایر افراد یا گروه‌ها یا براساس مجموعه‌ای درونی شده از استانداردها، احساس نابرابری می‌کند (گلارک و استارک، ۱۹۶۸، ص ۲۴۶، به نقل از طالبان، ۱۳۸۹، ص ۵).

تعریف عملیاتی متغیرها

مفهوم‌سازی محرومیت

محرومیت به‌طور کلی، بر اثر شکاف خواسته‌های ارزشی و داشته‌های مورد نظر افراد به وجود می‌آید. در حقیقت، ناسازگاری میان انتظارات و تجربه واقعی افراد، می‌تواند موجب بروز احساس محرومیت در آنان شود. محرومیت به دو شکل «محرومیت عینی» (ساختاری) و «محرومیت ذهنی» (احساس محروم بودن) مورد نظر است (استولز، ۲۰۰۹، ص ۳۶، به نقل از طالبان، ۱۳۸۹، ص ۵).

محرومیت عینی: ^۳ محرومیت عینی بر پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین دلالت دارد. پایگاه اقتصادی اجتماعی به‌طور کلی عبارت است از: رتبه فرد در ساختار کلی نابرابری اجتماعی. در این پژوهش، مفهوم پایگاه اقتصادی-اجتماعی طبق روال معمول در مطالعات جامعه‌شناختی، براساس سه معرّف، یعنی شغل (منزلت شغلی)، تحصیلات (سال‌های تحصیلی سپری شده به‌طور رسمی) و درآمد ماهانه فرد سنجیده می‌شود.

محرومیت ذهنی: ^۴ احساس محروم بودن فرد، با سؤال ذیل در جدول شماره ۲ عملیاتی شد:

جدول ۲: تعریف عملیاتی متغیرهای مستقل

سؤال	تعریف عملیاتی	خرده ابعاد	مفهوم
شما وقتی خودتان را با دیگران مقایسه می‌کنید، فکر می‌کنید آنان در مجموع از لحاظ امکانات زیر نسبت به آنها جلوتر یا عقب‌تر هستید، یا فرقی ندارد؟	مسکن، وسایل منزل، وسایل بچه، آموزش بچه‌ها، سلامت، خوراک، پوشاک	احساس محروم بودن فرد از امکانات زندگی یا اینکه احساس می‌کند به چه طبقه‌ای تعلق دارد.	محرومیت ذهنی (احساس محرومیت)
	شغل، درآمد، تحصیلات	پایگاه اقتصادی اجتماعی	محرومیت عینی

1. Socioeconomic Status

2. Deprivation

3. Objective Deprivation

4. Subjective Deprivation

برای تعریف عملیاتی متغیر دین‌داری، در این مطالعه از الگوی اصلاح شده گلارک و استارک استفاده شده است. تعریف عملیاتی دین‌داری در الگوی گلارک و استارک، شامل پنج بُعد (باورها، مناسک، تجربه، دانش و پیامدها) است. با توجه به برخی ملاحظات، از جمله آموزش رسمی دینی در ایران، بعد دانش دینی از مجموع بعد دین‌داری در الگوی گلارک و استارک حذف شده است و بنابراین، چهار بعد، برای تعریف عملیاتی در این مدل در نظر گرفته شده و از گویه‌های مورد استفاده در مطالعه سراج‌زاده استفاده شده است (سراج‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۶۲-۶۵ و ص ۱۶۵-۱۷۳). این ابعاد به طور خلاصه در جدول شماره ۳ آمده‌اند.

جدول ۳: تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق

متغیر	ابعاد	خرده ابعاد
دین‌داری	اعتقادی	اعتقاد به زندگی پس از مرگ، وجود خداوند، رسیدگی به اعمال انسان در آن، اعتقاد به ظهور منجی بشریت، اعتقاد به وجود شیطان و فرشتگان، اعتقاد به وجود بهشت و جهنم
	مناسکی	شرکت در نمازهای روزانه، روزه، تلاوت قرآن به طور فردی و دعاکردن، شرکت در نماز جمعه، نماز جماعت در مسجد، شرکت در اعیاد و سوگواری‌ها، شرکت در مراسم دعای کمیل، توسل
	تجربی	اعتقاد به خدا، توجه، شناخت، ترس از خداوند
	پیامدی	پیامدهای باور و عمل، تجربه و دانش دینی در زندگی روزمره فرد معتقد و در رابطه با افراد
ریسک‌پذیری	سیاسی	شغل سیاسی داشتن
	اقتصادی	روابط اقتصادی فرد با دیگران، چگونگی پس‌انداز فرد
	اجتماعی	ارتباط فرد با دیگران در جامعه
	رفتار خشونت‌آمیز	خشونت (کلامی، جسمی)، دعوا، خطر کردن در ارتباطات
	گرایش به سیگار، الکل و مواد مخدر	گرایش به سیگار، الکل و مواد مخدر
	رانندگی خطرناک	سرعت بالا، رعایت نکردن قوانین
	امور جنسی	ارتباط با جنس مخالف
نگرش به زندگی پس از مرگ	نگرش به عالم برزخ (عالم قبر)	ایمان به بودن عالم برزخ، تجسم اعمال و عقاید انسان، وجود ادراک و احساس در انسان، داشتن آگاهی نسبت به اعمالش، متناهی بودن عالم برزخ و گذر زمان، پرسش از عقاید (خدا، پیامبر و دین) فردی بودن، روحانی بودن
	نگرش به روز قیامت (روز محشر)	عدم تغییر و وجود ثبات، درجات متفاوت مؤمنان و گناهکاران، ورود به محشر (خارج شدن از قبر، حسابرسی اعمال، عبور از صراط)
	نگرش به بهشت و جهنم	اعتقاد و نگرش به نعمت‌ها و عذاب‌های جسمانی و روحانی آن

بعد اعتقادی: ^۱ باورهایی را در برمی‌گیرد که انتظار از پیروان یک دین آن است که بدان اعتقاد داشته باشند؛

بعد مناسکی، ^۲ یا عمل دینی: اعمال دینی مشخص نظیر عبادت، نماز، شرکت در آیین‌های مقدس خاص، روزه گرفتن و... که انتظار از پیروان هر دین آن است که آنها را به جای آورند؛
 بعد تجربی، ^۳ یا عواطف دینی: در عواطف، تصورات و احساسات مربوط به برقراری رابطه با وجودی همچون خدا که واقعیت غائی یا اقتدار متعالی است، ظاهر می‌شود. گلازک و استارک چهار نوع از جلوه بعد تجربی را شامل توجه، شناخت، ایمان و ترس دانسته‌اند؛
 بعد پیامدی ^۴ یا آثار گرایش‌های دینی: شامل پیامدهای باور، عمل، تجربه و دانش دینی در زندگی روزمره فرد معتقد و روابط او با دیگران است (سراج‌زاده، ۱۳۸۳، همان‌جا).

برای عملیاتی کردن متغیر ریسک‌پذیری از پرسش‌نامه ریسک‌پذیری زهره احمدآبادی و زادمحمدی (۱۳۷۸) استفاده شد. البته با این تفاوت که پرسش‌ها در هر بُعد را کاهش دادیم. برای تعریف عملیاتی متغیر وابسته، از متون دینی، آیات قرآن، کتاب‌های زندگی پس از مرگ، اثر شیخ عباس قمی، علی محمد اسدی، سیاحت غرب، نوشته آقا نجفی قوچانی، مکارم شیرازی و کتاب دنیا و آخرت از دیدگاه قرآن، نگاشته یعقوب‌علی برجی، استفاده شده است. ابعاد و خرده ابعاد جهان پس از مرگ نیز با توجه به این متون دینی و آیات و روایات موجود در آن استخراج شدند. بر این اساس، زندگی پس از مرگ شامل سه بعد و دو مرحله کلی است، که نخستین مرحله، عالم برزخ یا همان عالم قبر است که انسان بلافاصله پس از مرگ وارد آن می‌شود و تا شروع قیامت در آن به سر می‌برد؛ مرحله دوم، که روز رستاخیز و همان روز قیامت است که بعد جسمانی و روحانی با هم توأم شده و همه انسان‌ها برانگیخته و زنده می‌شوند و شامل حسابرسی اعمال انسان‌هاست؛ مرحله سوم، پس از حسابرسی اعمال انسان شروع می‌شود، که همان ورود انسان برای ابد در بهشت یا دوزخ است. در این تحقیق با توجه به ابعاد زندگی پس از مرگ، نگرش و تصور مردم بابل نسبت به هریک از ابعاد زندگی پس از مرگ سنجیده شده است.

اعتبار و روایی تحقیق

منظور از اعتبار ^۵ یک تحقیق، میزان دقت شاخص‌ها و معیارهایی است که در راه سنجش پدیده مورد نظر تهیه شده‌اند (ساروخانی، ۱۳۸۵، ص ۲۸۶). بدین منظور پرسش‌نامه اولیه از سوی استاد راهنما و

1. Ideological

2. Ritualistic

3. Experimental

4. Consequential

5. Validity

دیگر استادان و متخصصان علوم اجتماعی ارزیابی شد که براساس نتایج ارزیابی اصلاحاتی در پرسش نامه صورت گرفته و در نهایت پرسش نامه برای پیش آزمون آماده شد. پایایی^۱ یکی از ویژگی های فنی ابزار اندازه گیری است. این مفهوم به این موضوع می پردازد که ابزار اندازه گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی می دهد. در اینجا برای سنجش پایایی ابزار تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. بدین منظور در مرحله پیش آزمون (pre test) از نمونه ای به حجم ۳۰، آلفای کرونباخ گرفته شد، که روایی ابعاد متغیرها بالای ۷۰ درصد به دست آمد.

جدول ۴: روایی ابعاد متغیرهای مستقل

روایی احساس محرومیت		روایی ابعاد دین داری		
تعداد گویه	آلفا	تعداد گویه	آلفا	تعداد گویه
۹	۷۰	۶	۸۵	اعتقادی
ریسک پذیری	۱۷	۸	۸۳	مناسکی
		۵	۸۴	تجربی
		۶	۷۰	پیامدی
۷۱	۱۷	۲۵	۹۰	کل
نگرش نسبت به جهان پس از مرگ				
	تعداد گویه	آلفا	بعد	
	۷	۸۵	نگرش به عالم برزخ	
	۱۶	۸۴	نگرش به روز قیامت	
	۱۰	۹۴	نگرش به بهشت و دوزخ	
	۳۳	۹۲	کل	

یافته های تحقیق

این بخش شامل تجزیه و تحلیل توصیفی و تجزیه و تحلیل استنباطی است.

تجزیه و تحلیل توصیفی

براساس یافته های توصیفی، ۵۳/۷ درصد از پاسخگویان را زنان و ۴۶/۳ درصد را مردان تشکیل داده اند. از این میان ۴۳/۷ درصد مجرد و ۵۶/۳ درصد متأهل و ۲۴/۷ درصد از پاسخگویان در گروه سنی بیست تا ۲۴ سال هستند، ۲۲ درصد در گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال، ۱۵ درصد در گروه سنی سی تا ۳۴، و ۱۴/۴ درصد در گروه سنی ۳۵ تا ۳۹ سال و ۲۳ درصد در گروه سنی چهل سال و بالاتر قرار داشته اند. از نظر پایگاه اقتصادی اجتماعی به ترتیب ۱۶/۳ درصد از پاسخگویان در

1. Reliability

پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین‌ترین طبقه، ۲۶/۳ درصد پایین و ۲۲/۳ درصد متوسط ۱۶/۳ درصد بالا و ۴ درصد از آنان در بالاترین طبقه قرار داشته‌اند.

پاسخگویان از نظر میزان ریسک‌پذیری به ترتیب، ۴۲/۳ درصد ریسک‌پذیری خیلی پایین داشتند و ۴۱/۳ درصد ریسک‌پذیری پایین، ۹/۳ درصد متوسط، ۳ درصد ریسک‌پذیری بالایی داشته‌اند و ۱/۳ درصد از پاسخگویان ریسک‌پذیری در حد خیلی بالا داشته‌اند.

میزان دین‌داری پاسخگویان به ترتیب: میزان دین‌داری ۸ درصد از افراد، در حد خیلی ضعیف بوده، ۱۴/۷ درصد در حد ضعیف بوده، ۲۰/۷ درصد دین‌داری، متوسطی داشته‌اند، ۳۰/۷ درصد دین‌داری قوی و بالا بوده و میزان دین‌داری ۲۲/۷ درصد از پاسخگویان در حد خیلی قوی بوده است. میزان احساس محرومیت ۴ درصد احساس محرومیت در حد خیلی ضعیف، ۲۵/۷ درصد از آنها محرومیت کمی احساس می‌کردند و ۴۵ درصد در حد متوسط، ۱۹/۳ درصد از آنها احساس محرومیت بالا و ۱/۷ درصد از پاسخگویان احساس محرومیت خیلی بالایی داشته‌اند.

جدول ۵: توزیع فراوانی نگرش نسبت به جهان پس از مرگ

گویه‌های متغیر وابسته (نگرش نسبت به جهان پس از مرگ)	کاملاً مخالف	مخالف	تأخیدی	موافق	کاملاً موافق	مفقوده	میانگین
باور دارم که عالم برزخ، عالمی میان دنیا و آخرت است.	۵	۳/۰	۱۴/۷	۳۲/۳	۴۴/۰	۱	۴
انسان از اعمال خوب یا بد خود مانند این دنیا احساس خوشحالی یا شرمندگی می‌کند.	۱/۷	۳/۳	۱۱/۳	۳۷/۷	۴۶/۰	۰	۴
انسان در عالم برزخ، وقتی اعمالش را که می‌بیند از آن آگاهی دارد.	۲/۷	۳/۷	۲۴/۳	۳۷/۷	۳۱/۷	۰	۴
به نظرم انسان در عالم برزخ تا شروع قیامت می‌ماند.	۵/۳	۲/۳	۲۷	۳۰	۳۳	۱/۳	۴
انسان در برزخ گذر زمان (روز و شب) را احساس می‌کند (طلوع و غروب خورشید را می‌بیند).	۱۲	۹/۷	۳۷/۳	۲۲/۷	۱۶/۳	۱/۳	۳
در برزخ از اعتقاد افراد سؤالی نمی‌شود، انسان یکسره به دوزخ یا بهشت برزخی می‌رود.	۳۰/۳	۲۴/۷	۱۹/۷	۱۳/۷	۱۰	۱/۷	۲
در حقیقت برزخ مکانی است که روح انسان در آن تا روز رستاخیز، در خوشی یا رنج به سر می‌برد.	۷	۶	۲۵/۳	۳۰/۷	۲۸/۳	۲/۷	۴
برخورداری از پاداش و کیفر در زندگی پس از مرگ تمامی ندارد.	۱۰	۱۱/۷	۲۱/۷	۳۲	۲۴	۰/۷	۴
در زندگی پس از مرگ مانند دنیا ما مراحل کودکی، جوانی و پیری و مرگ را طی نمی‌کنیم.	۱۷/۷	۱۴/۷	۲۵/۳	۱۷/۷	۲۳/۳	۱/۳	۳
در آخرت، آسایش و برخورداری پاکان از نعمت‌ها قطع نمی‌شود.	۶	۴/۷	۱۰/۷	۳۵/۳	۴۲/۷	۰/۷	۴
خداوند آن‌قدر مهربان است که همه ما را وارد بهشت می‌کند.	۲۳	۱۹/۷	۲۶/۷	۲۰	۱۰	۰/۷	۳

میانہ	مفقودہ	کاملاً موافق	موافق	تاحدی	مخالف	کاملاً مخالف	گویہ‌های متغیر وابسته (نگرش نسبت به جهان پس از مرگ)
۲	۰/۷	۱۲/۷	۱۲	۱۴	۲۲/۳	۳۸/۳	در زندگی پس از مرگ همه به طور یکسان پاداش و کیفر می‌بینند.
۴	۰/۷	۳۵/۷	۲۳/۳	۱۹/۳	۵/۷	۶/۳	هر انسانی در روز قیامت به واسطه اعمال خوب یا بد، با چهره‌ای خوش و بد محسوس می‌شود (از قبر خود خارج می‌شود).
۵	۰/۷	۵۶/۷	۲۶/۳	۹/۷	۲/۷	۴	در روز قیامت به اعمال همه انسان‌ها رسیدگی می‌شود.
۵	۰/۳	۵۲	۳۲	۸	۲/۳	۴/۷	قیامت روز جدایی حق از باطل، نیک از بد و پاکی از پلیدی است.
۵	۱	۵۴/۳	۲۶	۱۰/۷	۱/۷	۷	در روز قیامت، خداوند به همه اعمال ریز و درشت، آشکار و پنهان ما رسیدگی می‌کند.
۴	۰	۳۳	۲۶/۳	۱۳/۳	۱۰/۷	۱۵/۷	در جهان پس از مرگ فقط اعمال انسان مهم نیست و به نیات آدمی نیز کار دارند.
۴	۰	۴۹	۲۹	۱۱/۷	۵/۳	۴/۷	در جهان پس از مرگ ستم و بی‌عدالتی، حتی به اندازه ذره‌ای، در آن وجود ندارد (خداوند به کسی ستم نمی‌کند).
۳	۰	۲۸/۳	۳۱/۳	۲۵/۷	۸	۹/۷	به نظرم اینکه می‌گویند پل صراط، پلی است که از روی جهنم می‌گذرد، و همه انسان‌ها باید از آن عبور کنند، باورش سخت نیست.
۴	۰	۱۷/۳	۲۲/۷	۳۰/۳	۱۱/۷	۱۸	فقط پاکان و اهل تقوا می‌توانند از صراط بگذرند و گناهکاران به جهنم سقوط می‌کنند.
۳	۰	۲۳/۷	۲۳/۷	۲۴/۷	۱۸	۱۰	در حسابرسی اعمال آدمی، مرد یا زن بودن معنایی ندارد مهم روح و کیفیت روح انسان است.
۲	۰/۱	۱۱/۷	۱۰	۱۵/۷	۳۰/۷	۳۱	در روز قیامت وجدان انسان نسبت به اعمالش شهادت می‌دهد.
۴	۱/۰	۴۱/۳	۳۵/۳	۱۴	۲/۳	۵/۷	کسی که قرآن تلاوت می‌کند، قرآن در آن دنیا او را شفاعت می‌کند.
۵	۰/۳	۵۴	۲۶	۱۴/۳	۲/۳	۴/۷	من به وجود بهشت و دوزخ در جهان پس از مرگ اعتقاد دارم.
۴	۰/۳	۴۹/۳	۲۹	۱۴/۳	۱/۳	۵/۳	بهشت قرارگاه، نیکوکاران و جهنم خانه گناهکاران است.
۴	۰/۳	۴۰/۷	۳۵/۷	۱۴/۳	۳/۷	۵/۳	در آن جهان، بهشتیان غرق در انواع نعمت‌ها هستند و دوزخیان در شدت عذاب به سر می‌برند.
۴	۰/۳	۳۷	۴۱/۳	۱۲/۷	۲/۷	۵	بهشتیان از احترام برخوردارند و دوزخیان در ذلت خواری و تحقیر به سر می‌برند.
۴	۰/۳	۴۰/۳	۳۵/۳	۱۷/۳	۲/۷	۳/۷	بهشت محیطی پر از صلح و آرامش، و دور از اضطراب و ترس، کینه و نزاع و... است ولی دوزخ پر از غم و اندوهی بی‌پایان است.
۴	۰/۳	۴۳	۲۷/۷	۱۷/۷	۴/۶	۶	در بهشت هر چه که دل بخواهد و دیدگان بیستند وجود دارد، به طوری که در تصور ما هم نیست.

چون سطح معناداری آزمون نرمال بودن توزیع داده برای همه متغیرها کمتر از ۰/۰۵ شده است، بنابراین، توزیع داده‌ها غیر نرمال بوده، بر این اساس، جهت تجزیه و تحلیل استنباطی از آزمون‌های ناپارامتریک اسپیرمن و من ویتنی (برای متغیر جنسیت) استفاده شده است. فرضیه اول: به نظر می‌رسد میان جنسیت و نگرش به جهان پس از مرگ رابطه‌ای وجود دارد.

جدول ۸: آزمون مقایسه میانگین دو نمونه t

مقدار F	سطح معناداری ۱/۳۲۰ (LEVEN) Sig	t مقدار آماره
۵/۵۹	۰/۰۱۹	۱/۰۳۲

در این آزمون چون sig آزمون leven کمتر از ۰/۰۵ شده است ($۰/۰۱۹ < ۰/۰۵$) واریانس‌ها برای آزمون t برابر نشده است، شرط نرمال بودن توزیع برای متغیر جنسیت برقرار نشده است. به این منظور آماره ناپارامتریک من ویتنی که معادل آماره پارامتریک، t استودنت است، برای بررسی تفاوت معناداری نگرش به جهان پس از مرگ در میان دو نمونه (زن و مرد) مورد استفاده قرار گرفته است.

جدول ۹: آزمون من ویتنی (نگرش به جهان پس از مرگ و جنسیت)

آماره	نگرش به جهان پس از مرگ
Z	-۰/۴۳
Asymp.Sig	۰/۶۶

چون سطح معناداری در آزمون من ویتنی بیشتر از ۰/۰۵ شده است ($۰/۶۶ < ۰/۰۵$)، می‌توان نتیجه گرفت که میان زنان و مردان به لحاظ نگرش به جهان پس از مرگ تفاوت معناداری وجود ندارد. نتایج به دست آمده از آزمون دیگر فرضیه‌ها در جدول شماره ۱۰ آمده است:

جدول ۱۰: ضرایب همبستگی متغیرهای مستقل و نگرش به جهان پس از مرگ

سطح معناداری	مقدار همبستگی اسپیرمن	فرضیه‌ها	فرضیه
۰/۰۰۰	**۰/۶۱	دین‌داری	فرضیه ۲
۰/۰۰۰	**۰/۶۰	بعد اعتقادی	فرضیه ۳
۰/۰۰۰	**۰/۴۹	بعد مناسکی	فرضیه ۴
۰/۰۰۰	**۰/۴۹	بعد تجربی	فرضیه ۵
۰/۰۰۰	**۰/۴۰	بعد پیامدی	فرضیه ۶
۰/۱۴	-۰/۰۸	ریسک‌پذیری	فرضیه ۷
۰/۰۱	*۰/۱۴	احساس محرومیت	فرضیه ۸
۰/۰۰۱	**۰/۱۹	سن	فرضیه ۹
۰/۱۱	۰/۱۰	پایگاه اقتصادی-اجتماعی	فرضیه ۱۰

فرضیه دوم: با توجه به سطح معناداری آزمون اسپیرمن ($0/000 > 0/05$) که کمتر از $0/05$ شده، بنابراین میان میزان دین‌داری و نگرش نسبت به جهان پس از مرگ رابطه معنادار وجود دارد. همچنین میان دو متغیر همبستگی در حد متوسطی $r=0/61$ و در جهت مثبت با احتمال $0/99$ درصد وجود دارد. بنابراین، هرچه میزان دین‌داری افراد افزایش یابد، نگرش آنان به جهان پس از مرگ با نگرش اسلام به جهان پس از مرگ همسوتر می‌شود؛

فرضیه سوم: با توجه به سطح معناداری آزمون اسپیرمن ($0/000 > 0/05$) که کمتر از $0/05$ شده است، بنابراین، میان بُعد اعتقادی و نگرش نسبت به جهان پس از مرگ رابطه معناداری وجود دارد. همچنین میان دو متغیر همبستگی در حد متوسط $r=0/60$ و در جهت مثبت با احتمال $0/99$ درصد وجود دارد، یعنی هرچه افراد از نظر اعتقادی قوی‌تر باشند و بیشتر تقویت شوند، نگرش صحیح‌تر و همسوتر با نگرش اسلام به آخرت خواهند داشت؛

فرضیه چهارم: با توجه به سطح معناداری آزمون اسپیرمن ($0/000 > 0/05$) که کمتر از $0/05$ شده است، بنابراین، میان بعد مناسکی و نگرش نسبت به جهان پس از مرگ رابطه معناداری وجود دارد. همچنین میان دو متغیر همبستگی در حد متوسط $r=0/49$ و در جهت مثبت با احتمال $0/99$ درصد وجود دارد؛

فرضیه پنجم: با توجه به سطح معناداری آزمون اسپیرمن ($0/000 > 0/05$) که کمتر از $0/05$ شده است؛ بنابراین، میان بعد تجربی و نگرش نسبت به جهان پس از مرگ رابطه معناداری وجود دارد. همچنین میان دو متغیر همبستگی در حد متوسط $r=0/49$ و در جهت مثبت با احتمال $0/99$ درصد وجود دارد؛

فرضیه ششم: با توجه به سطح معناداری آزمون اسپیرمن ($0/000 > 0/05$) که کمتر از $0/05$ شده است؛ بنابراین، میان بعد پیامدی و نگرش نسبت به جهان پس از مرگ رابطه معناداری وجود دارد. همچنین میان دو متغیر همبستگی در حد متوسط $r=0/40$ و در جهت مثبت با احتمال $0/99$ درصد وجود دارد؛

فرضیه هفتم: با توجه به سطح معناداری آزمون اسپیرمن ($0/008 < 0/05$) که بیشتر از $0/05$ شده است؛ بنابراین، میان میزان ریسک‌پذیری و نگرش نسبت به جهان پس از مرگ رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین میان دو متغیر همبستگی در حد خیلی ضعیف $r=0/14$ و در جهت معکوس وجود دارد که دال بر نبودن رابطه میان دو متغیر است؛

فرضیه هشتم: با توجه به سطح معناداری آزمون اسپیرمن ($0/001 > 0/05$) که کمتر از $0/05$ شده است؛ بنابراین، میان احساس محرومیت و نگرش نسبت به جهان پس از مرگ رابطه معناداری

وجود دارد. همچنین میان دو متغیر همبستگی در حد خیلی ضعیف $I=0/14$ و در جهت مثبت با احتمال $0/95$ درصد وجود دارد؛

فرضیه نهم: با توجه به سطح معناداری آزمون اسپیرمن ($0/01 > 0/05$) که کمتر از $0/05$ شده است؛ بنابراین، میان احساس محرومیت و نگرش نسبت به جهان پس از مرگ رابطه معناداری وجود دارد. همچنین میان دو متغیر همبستگی در حد خیلی ضعیف $I=0/19$ و در جهت مثبت با احتمال $0/99$ درصد وجود دارد؛

فرضیه دهم: با توجه به سطح معناداری آزمون اسپیرمن ($0/11 < 0/05$) که بیشتر از $0/05$ شده است؛ بنابراین، میان پایگاه اقتصادی-اجتماعی و نگرش نسبت به جهان پس از مرگ رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین میان دو متغیر همبستگی در حد خیلی ضعیف $I=0/10$ و در جهت مثبت وجود دارد که دال بر نبودن رابطه بین دو متغیر است.

تحلیل رگرسیون چند متغیره: برای فهم تأثیر هم‌زمان متغیرهای مختلف بر متغیر وابسته، از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. تحلیل رگرسیونی از بهترین روش‌های تحلیلی است که تأثیرهای مشترک و مجزای متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته ارزیابی و سنجش می‌کند.

جدول ۱۱: آزمون رگرسیون چند متغیره

ضریب رگرسیون R	ضریب تعیین R square	ضریب تعدیل شده	F آزمون	سطح معناداری
0/76	0/58	0/56	37/61	0/000

مطابق جدول شماره ۱۱، مقدار ضریب رگرسیون چند متغیره برابر با $0/76$ بوده و نشان می‌دهد که تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر نگرش به جهان پس از مرگ قوی بوده است. مقدار ضریب تعیین R^2 برابر است با $0/58$ ، بنابراین، فقط $0/58$ درصد از تغییرات متغیر وابسته، مربوط به متغیرهای مستقل: میزان دین‌داری، ریسک‌پذیری، احساس محرومیت، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و سن است و بقیه تغییرات (یعنی $0/56$ درصد) مربوط به متغیرهایی است که در این تحقیق در نظر گرفته نشده‌اند.

جدول ۱۲: میزان تأثیرهای مستقیم

متغیر	Beta	Sig	T
سن	0/09	0/04	2/01
ریسک‌پذیری	0/05	0/25	1/15
احساس محرومیت	-0/07	0/08	-0/71
پایگاه اقتصادی اجتماعی	0/02	0/63	0/47
بعد اعتقادی	0/43	0/000	6/41
بعد مناسکی	0/21	0/000	3/75
بعد تجربی	0/14	0/04	2/02
بعد پیامدی	0/10	0/04	1/98

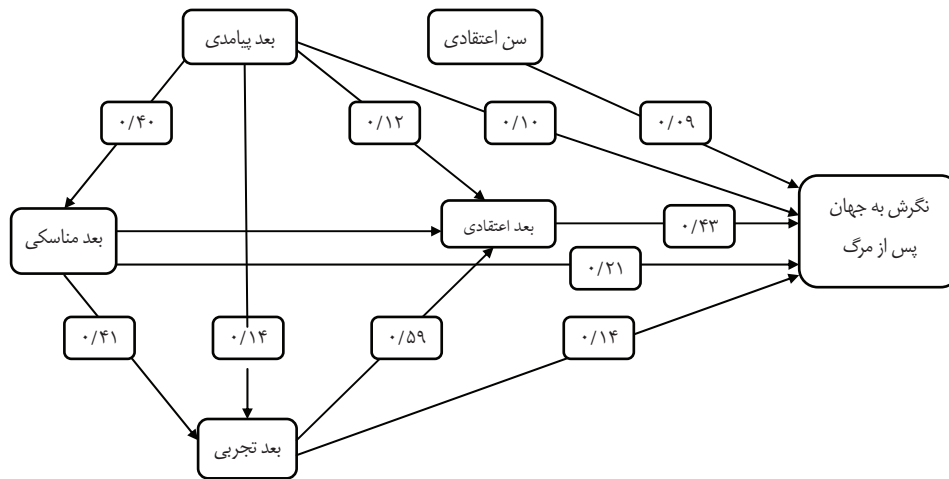
براساس تجزیه تحلیل چند متغیره مرحله اول، بُعد اعتقادی با $Beta=0/43$ بیشترین تأثیر را بر نگرش به جهان پس از مرگ داشته و در سطح معناداری قرار دارد ($0/05 > 0/000$) و پس از آن بُعد مناسکی، بُعد تجربی، بُعد پیامدی و متغیر سن به ترتیب بیشترین تأثیر مستقیم را بر متغیر وابسته تحقیق داشته‌اند.

تحلیل مسیر

تحلیل مسیر شکلی از تحلیل رگرسیون کابردی است که در آن برای آزمودن فرضیه‌های پیچیده از نمودارهای مسیر استفاده می‌شود. با استفاده از تحلیل مسیر می‌توان اثرهای مستقیم یا غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را محاسبه کرد (کرلینجر، ۱۳۸۴، ص ۳۸۸). مسیر و میزان تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر وابسته در تحلیل مسیرهای ذیل آمده است.

جدول ۱۲: میزان تأثیر غیرمستقیم متغیرهای مستقل

رگرسیون مرحله دوم			
متغیر	Beta	T	Sig
سن	0/003	0/066	0/94
بعد مناسکی	0/14	3/13	0/002
بعد تجربی	0/59	12/63	0/000
بعد پیامدی	0/12	2/83	0/005
Adjusted Rsquare = 0/55 R ² = 0/75 تعدیل شده F = 90/86 a = 0/93			
رگرسیون مرحله سوم			
متغیر	Beta	T	Sig
بعد مناسکی	0/41	0/28	0/000
بعد پیامدی	0/23	0/13	0/000
Adjusted Rsquare = 0/30 R ² = 0/50 تعدیل شده F = 63/46 a = 2/21			
رگرسیون مرحله چهارم			
متغیر	Beta	T	Sig
بعد پیامدی	0/40	7/24	0/000
Adjusted Rsquare = 0/16 R ² = 0/40 تعدیل شده F = 57/13 a = 1/58			



نمودار ۲: مسیرهای تأثیر مستقیم و غیرمستقیم

نمودار تحلیل مسیر نشان می‌دهد که تنها متغیرهای سن و بعد اعتقادی تأثیر مستقیم در نگرش نسبت به جهان مرگ دارند و متغیرهای بعد مناسکی، بعد تجربی، بعد پیامدی به‌طور غیر مستقیم بر متغیر وابسته تحقیق تأثیر گذارند.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهند که میان احساس محرومیت، سن، میزان دین‌داری افراد و نیز ابعاد دین‌داری، با نگرش مردم نسبت به جهان پس از مرگ رابطه معناداری وجود دارد. این در حالی است که میان متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی، میزان ریسک‌پذیری، جنسیت و نگرش به جهان پس از مرگ رابطه معناداری وجود ندارد. در پژوهش حاضر از نظریه‌های دورکیم، وبر، استارک و بین‌بریج، فروید و نیز تحقیق استارک و میلر و نظریه اینگلههارت و همچنین از متون دینی، برای تبیین رابطه میان متغیرهای مستقل تحقیق و نگرش مردم نسبت به جهان پس از مرگ بهره گرفته شده است.

براساس نظر فروید، زندگی به ناچار با محرومیت همراه است؛ از آنجا که تمدن خود مستلزم نظم و مقررات اجتماعی است که بدون تحمیل محرومیت بر افراد نمی‌تواند، تحقق پذیرد، از دید او گرایش انسان به مذهب، تلاشی برای مقابله با تهدیدها و محرومیت‌های طبیعی از طریق انسانی کردن آنهاست. مردم می‌کوشند تا با خیال‌پروری و ایدئال‌سازی رنج‌های خود را توجیه کرده و قابل تحمل سازند و اینکه بر خلاف این زندگانی مادی و آلوده به تمدن، معتقد به زندگی روحانی پس از

مرگ هستند که رنج‌های این دنیا در آن جبران می‌شود. استارک و بین‌بریج، نیز این استدلال را دارند که افراد وقتی در معرض انواع محرومیت‌ها قرار می‌گیرند، به دنبال راه حلی برای این مشکل می‌گردند تا هرچه زودتر این احساس محرومیت را برطرف سازند. دین با ایجاد سازوکار جبرانی، شرایط مزبور را تحمل‌پذیر کرده و آنها را تسلی می‌بخشد؛ از این‌رو، افراد به دین روی می‌آورند. بنابراین، میان احساس محرومیت مردم و نگرش آنان به جهان پس از مرگ رابطه معناداری وجود دارد به طوری که در تحقیق مورد نظر افرادی که احساس محروم بودن بیشتری می‌کردند، باور و نگرش آنان به جهان پس از مرگ همسوتر با نگرش به جهان پس از مرگ از نگاه اسلام بوده است.

درباره رابطه میان سن و نگرش نسبت به جهان پس از مرگ، با توجه به استدلال نظری اینگلهارت که در اوضاع نسبتاً امن و بی‌خطر، شخص می‌تواند تنوع و اختلاف بیشتری را تحمل کند، از این‌رو، فرد نیازی به امنیت حاصل از مقررات خشک و مطلق که بازدارنده دینی قادر به تأمین آنهاست، ندارد. وی معتقد است رفتاری که از هنجارهای سنتی منحرف شده ممکن است به تدریج مقبولیت یابد و گروه‌هایی که به احتمال بیشتری اشکال جدید رفتار را می‌پذیرند جوانان و گروه‌های نسبتاً مرفه هستند، نه گروه‌های مسن و محروم. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که هرچه سن افراد افزایش می‌یابد، نگرش آنان به جهان پس از مرگ، با نگرش اسلام همسوتر می‌شود.

در مورد تأثیر دین‌داری، نظریه‌پردازانی چون دورکیم، وبر، استارک و بین‌بریج به نقش مثبت دین در زندگی افراد معتقدند، به طوری که از نظر آنها دین به زندگی انسان در این دنیا معنا بخشیده و آن را پوچ و بی‌هدف نمی‌داند. از نظر وبر، دین اساساً پاسخی است به دشواری‌ها و بی‌عدالتی‌های زندگی. دین کوشیده تا این ناکامی‌ها را توجیه کند و در نتیجه انسان را به کنار آمدن با آنها قادر سازد و در برابر مشکلات به آنها اعتماد به نفس بخشد. دین خصلت به ظاهر خودسرانه جهان را، معنادار و سامان‌مند جلوه می‌دهد و همان چیزی را، فراهم می‌سازد که وبر آن را «توجیه الهی» خوشبختی و بدبختی می‌نامد. براساس نظر وبر، مذهب برای انسان معنا ایجاد می‌کند و به زیستن و مردن انسان معنا می‌بخشد. تضمین روانی دین، هدفش یکی است و آن چیزی جز درک‌پذیر ساختن جهان نیست.

از نظر دورکیم انسانی که حیات دینی دارد، باور دارد که در نیروهایی مسلط بر خویش مشارکت می‌کند، نیروهایی که حمایتش کرده و با تکیه بر همین نیروها می‌تواند با ابتلائات و مشکلات زندگی مواجه شده و به زندگی‌اش معنا بخشد. دین کارکرد فرح‌بخشی داشته با برانگیختن احساس خوشبختی در مؤمنان و احساس اطمینان به حقایق ضروری جهان اخلاقی که خودشان، در مؤمنان ایجاد می‌کنند و با احساس ناکامی و فقدان ایمان در آنها مقابله می‌کند. فروید نیز معتقد بود زندگی به ناچار با محرومیت همراه است. گرایش انسان به مذهب، تلاشی برای مقابله با تهدیدها و محرومیت‌های طبیعی از طریق انسانی کردن آنهاست. مردم می‌کوشند تا با خیال‌پروری و

ایدئال‌سازی رنج‌های خود را توجیه کرده، قابل تحمل سازند و اینکه برخلاف این زندگانی مادی و آلوده به تمدن، به زندگی روحانی پس از مرگ که رنج‌های این دنیا در آن جبران می‌شود، معتقدند. براساس نظریه استارک و بین‌بریج دین، با تبیین‌های فرا طبیعی سروکار دارد. دین اساساً کوششی برای دستیابی به آرزوها یا پاداش‌هاست. نمونه‌ای از پاداش‌های دور از دسترس، آرزوی جاودانگی است که باید با ایمان آن را پذیرفت. اعتقاد به جاودانگی از آرزوهایی نیست می‌گیرد که به صورت دنیوی نمی‌توانند برآورده شوند. به سخن دیگر، جاودانگی نوعی پاداش است که دین به انسان می‌گوید درد و رنج دنیوی را در عوض دستیابی به پاداش آن دنیایی تحمل کند. براساس یافته‌های تحقیق و استدلال‌های نظری یاد شده، می‌توان نتیجه گرفت که هرچه میزان دین‌داری افراد افزایش یابد، نگرش مردم نسبت به جهان پس از مرگ، با نگرش اسلام به جهان پس از مرگ همسوتر می‌شود. برای بررسی میزان دین‌داری و تأثیر هریک از ابعاد دین‌داری بر نگرش به جهان پس از مرگ از مدل دین‌داری گلارک و استارک استفاده شد. براساس چهار بُعد از پنج بعد دین‌داری که آنها مطرح کرده بودند و نیز نتایج تحقیق نشان دادند که متغیر بعد اعتقادی بیشترین همبستگی را با متغیر وابسته تحقیق دارد، به طوری که هرچه بعد اعتقادی مردم بالاتر باشد، نگرش صحیح‌تری نسبت به جهان پس از مرگ خواهند داشت و این نگرش با نگرش اسلام به جهان پس از مرگ همسوتر می‌شود و دیگر ابعاد دین‌داری (مناسکی، تجربی، پیامدی) به ترتیب بیشترین همبستگی را با متغیر وابسته داشته‌اند.

نتایج رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر نشان دادند که سن و چهار بُعد دین‌داری تأثیر مستقیمی بر نگرش مردم نسبت به جهان پس از مرگ داشته‌اند، این در حالی است که بعد اعتقادی با بتای ۰/۴۳ درصد بیشترین تأثیر را در همسو شدن نگرش افراد به جهان پس از مرگ با نگرش اسلام داشته است و پس از آن دیگر ابعاد دین‌داری: (مناسکی، تجربی و پیامدی) به ترتیب با بتای ۰/۱۰، ۰/۱۴، ۰/۲۱ و متغیر سن با بتای ۰/۰۹ بیشترین تأثیر مستقیم را بر متغیر وابسته داشته‌اند. نتایج تحلیل مسیر نیز نشان دادند که بعد پیامدی با بتای ۰/۴۰ درصد بیشترین تأثیر غیر مستقیم را بر نگرش مردم نسبت به جهان پس از مرگ داشته است.

منابع

- *قرآن کریم.
* نهج البلاغه.
۱. آرون، ریمون (۱۳۸۲)، مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، چاپ ششم، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
 ۲. احمدآبادی، زهره و علی زادمحمدی (۱۳۷۸)، «تدوین و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه خطرپذیری نوجوانان ایرانی TARS، هم‌وقوعی رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان دبیرستان»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال چهارم، ش ۱۳، ص ۸۷-۱۰۰.
 ۳. اسدی، علی‌محمد (۱۳۷۹)، حیات پس از مرگ: تحقیقی در حیات برزخی، حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز انتشارات.
 ۴. الیاس، نوربرت (۱۳۸۴)، «تنهایی محضران»، ترجمه یوسف اباذری، (فلسفه و کلام)، مجله ارغنون، بهار و تابستان، شماره ۲۶-۲۷، ص ۴۴۷-۴۵۶.
 ۵. _____ (۱۳۸۴)، تنهایی دم مرگ، ترجمه امید مهرگان و صالح نجفی، تهران: گام نو.
 ۶. انسان، نیلوفر (۱۳۹۰)، بررسی نمادین مرگ در قبرستان بهشت زهرا تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مطالعات فرهنگ، دانشگاه علم و فرهنگ تهران.
 ۷. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: نشر کویر.
 ۸. بکفورد، آرتورجیمز (۱۳۸۸)، دین و جامعه صنعتی پیشرفته، ترجمه فاطمه گلابی، تهران: کویر.
 ۹. بکفورد، جیمز، ای (۱۳۸۹)، دین و نظریه اجتماعی: رهیافت سازنده گرای اجتماعی، ترجمه دکتر مسعود آریایی‌نیا، تهران: نشر دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
 ۱۰. بهمن‌پور، حمید؛ ناهیدالملوک محمودی و همکاران (۱۳۸۹)، بررسی عوامل مؤثر بر ریسک‌پذیری دانشجویان، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۱، شماره پیاپی ۲۸، ش ۲، تابستان، ص ۳۵-۵۶.
 ۱۱. بیرو، آلن (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، نشر کیهان.
 ۱۲. پورغلامی، معصومه (۱۳۹۰)، رابطه بین کیفیت زندگی و نگرش نسبت به مرگ در سالمندان عضو کانون جهاندیدگان شهر شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت - دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

۱۳. جلالی پور، حمیدرضا؛ جلال محمدی (۱۳۸۷)، نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی، تهران: نشر نی.
۱۴. جوادی یگانه، محمدرضا؛ محمد آقاسی (۱۳۹۰)، «تصویر یهودی-مسیحی از مفهوم اسلامی جهان پس از مرگ در سینمای ایران»، فصلنامه دین و رسانه، ش ۱۴، پاییز، ص ۹۰-۱۱۳.
۱۵. خدایاری فرد، محمود (۱۳۸۵)، آماده‌سازی و هنجاریابی مقیاس سنجش دین‌داری در جامعه دانشجویی کشور، انتشارات الکترونی دانشگاه تهران.
۱۶. زابرسکی، لیندا (۱۳۸۸)، «مرگ و زندگی پس از مرگ»، ترجمه غلامرضا مهرداد، کتاب ماه، ش ۲۱، خرداد، ص ۴۸-۶۱.
۱۷. زارع، مریم؛ جهانگیر جهانگیری (۱۳۹۰)، بررسی نگرش نسبت به مرگ: مطالعه موردی منطقه ۱ و ۲۲ تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران.
۱۸. ساروخانی، باقر (۱۳۸۵)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۹. سراج‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۳)، چالش‌های دین و مدرنیته، مباحثی جامعه‌شناختی در دین‌داری و سکولار شدن، تهران: انتشارات طرح نو.
۲۰. شجاعی‌زند، علی‌رضا (۱۳۸۰)، «دین تمام زندگی، فقه و اصول»، حکومت اسلامی، ش ۲۲، زمستان، ص ۲۳-۵۰.
۲۱. _____ (۱۳۸۰)، دین، جامعه و عرفی شدن: جستارهایی در جامعه‌شناسی دین، تهران: نشر مرکز.
۲۲. _____ (۱۳۸۴)، «مدلی برای سنجش دین‌داری در ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، بهار، ش ۲۱، ص ۳۴-۶۶.
۲۳. _____ (۱۳۹۲)، «دین و دنیا: بررسی نگرش‌های متفاوت به دنیا»، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، بهار، دوره ۱۳، پیاپی ۴۶، ش ۱، ص ۸۵-۱۱۸.
۲۴. صنعتی، محمد (۱۳۸۴)، «درآمدی بر مرگ در اندیشه غرب»، فصلنامه ارغنون، شماره ۲۶-۲۷، بهار و تابستان، ص ۱-۶۴.
۲۵. طالبان، محمدرضا (۱۳۸۹)، «ارزیابی تجربی نظریه محرومیت در تبیین دین‌داری»، مجله جامعه‌شناسی، ص ۱-۲۵.
۲۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۰)، شیعه در اسلام، چاپ هشتم، قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
۲۷. عمید، حسن (۱۳۸۰)، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.

۲۸. فروید، زیگموند (بی‌تا)، آینده یک پندار، ترجمه هاشم رضی، انتشارات کاوه.
۲۹. قانع‌راد، محمدامین؛ مرتضی کریمی (۱۳۸۵)، «نمایشنامه‌های فرهنگی مرگ و مردن: مطالعه موردی بیماران مبتلا به سرطان بیمارستان امام خمینی (علیه‌السلام)»، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، بهار و تابستان، ش ۵، ص ۵۱-۷۴.
۳۰. کاظم‌خانی، حبیب (۱۳۹۱)، آخرت‌شناسی ادیان، www.Quranstudies.ir.
۳۱. کبیر، یحیی (۱۳۸۹)، «مسئله معاد و علوم جدید: تبیین زندگی پس از مرگ»، (فلسفه و کلام)، مجله اندیشه نوین دینی، تابستان، ش ۲۱، ص ۱۴۹-۱۶۵.
۳۲. کرلینجر، فرد. ان (۱۳۸۴)، مبانی روش تحقیق در علوم رفتاری، ترجمه حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی‌زند، تهران: انتشارات آوای نور.
۳۳. کرمانی مجرّد، مریم (۱۳۹۰)، بررسی عوامل مرتبط با تصور از مرگ: مطالعه موردی سالمندان شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران.
۳۴. کلاکی، حسن (۱۳۸۷)، «بررسی مقایسه‌تدین جوانان و ابعاد آن در سه پایگاه اجتماعی بالا، متوسط، پایین (جوانان شهر جویبار)»، نامه پژوهش فرهنگی، بهار، سال نهم، ش ۱۱، ص ۱۰۷-۱۳۸.
۳۵. کلانتری، عبدالحسین؛ تسلیمی تهرانی (۱۳۹۱)، «بررسی میزان راز آلودگی مفهوم مرگ در شهر تهران»، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، پاییز ۱، سال سوم، ش ۴، ص ۱۰۹-۱۲۶.
۳۶. کلهر، سمیه (۱۳۸۴)، «معاد در قرآن و کتب عهد عتیق (عهد قدیم و جدید)»، ادیان و عرفان آینه معرفت، بهار، ش ۵، ص ۱۰۱-۱۲۰.
۳۷. کوزر، لویس (۱۳۹۰)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران.
۳۸. گیدنز، انتونی (۱۳۷۸)، تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در جامعه مدرن، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
۳۹. لطیفی، فریا (۱۳۶۹)، «ریسک و ریسک‌پذیری»، مدیریت، تدبیر، اسفند، ش ۱۰، ص ۲۰-۲۲.
۴۰. مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۹)، بحارالانوار.
۴۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، عدل الهی، چاپ هفتم، قم: انتشارات صدرا.
۴۲. _____ (۱۳۷۳)، معاد، قم: شورای نظارت بر نشر آثار استاد مطهری.
۴۳. _____ (۱۳۸۵)، حیات اخروی، زندگی جاوید، قم: انتشارات صدرا.
۴۴. مظفری ورسی، محمدحیدر (۱۳۹۲)، مرگ‌اندیشی در آموزهای اسلامی، تهران: انتشارات کتاب نشر.
۴۵. معین، محمد (۱۳۸۵)، فرهنگ فارسی معین، ج اول، تهران: انتشارات ثامن.

۴۶. مودی، ریموند (۱۳۷۳)، نورآن سوی، ترجمه حسن جلیلیان، تهران: جمال الحق.
۴۷. همیلتون، ملکم (۱۳۹۰)، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر ثالث.
۴۸. ویلم، ژان پل (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی ادیان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: تبیان.
۴۹. یوسفی، علی و ملیحه تابعی (۱۳۹۰)، «پدیدارشناسی تجربی معنای مرگ: مطالعه موردی زنان شهر مشهد»، (علوم اجتماعی)، راهبرد فرهنگ، شماره ۱۴ و ۱۵، تابستان و پائیز، ص ۳۹-۵۲.

50. Collett. Jessica & Lizardo. Omar (2009) "A Power-Control Theory of Gender and Religiosity", *Journal for the Scientific Study of Religion*, Vol. 48, Issue 2, pp. 23-213.
51. Daryl R. Van Tongeren, Jennife M. Raad, Danaiel N. McIntosh, Jessica pae (2013), "The Eistentail Function of Intrinsic Religiousness: Moderation of Effect Priminy Religion on entercultural Tolerance and Afterlife Anxiety", *Journal for The Scientific of Religion*, Vol. 52, No. 3, pp. 508-528.
52. Jochen. Hirschle (2013), "Secularization of Consciousness or Alternative Opportunities? The Impact of Economic Growth on Religious Belief and Practice in 13 European Countries", *Journal for the Scientific Study of Religion*, Vol. 52, Issue 2, pp. 410-424.
53. Miller. Alan S & Stark. Rodney (2002), "Gender And Religiousness: Can Socialization Explanations Be Saved?", *American Jurnal Of Sociology*, Vol. 107, No. 6, pp. 1399-1423.
54. Yoshito. Mizoguchi & Yoshiomi. Imamura (2014), "Belief in life after death, salivary 3-methoxy-4-hydroxyphenylglycol, and well-being among olderpeople without cognitive impairment dwelling in rural Japan", *International Journal of Geriatric Psychiatry*.